



اسم رمز؛ وفاق!
سخنان عارف درباره انتصابات استانی



رئیس خاموش
سکوت رئیس جدید سازمان سینمایی



بازدید سفیر
عبدالله بن سعود در بیمارستان آیت الله هاشمی



شهید راه قدس

حزب الله شهادت سید هاشم صفی‌الدین
رئیس شورای اجرایی مقاومت لبنان را تأیید کرد

یادداشت روز

تأملی بر بریکس

چرا پیمان‌های منطقه‌ای
صرفاً می‌توانند ابزار کمکی باشند؟



نعمت‌الله ایزدی
اولین سفیر ایران در روسیه
در دولت سازندگی

عضویت در اجلاس‌های منطقه‌ای، سازمان‌ها و تشکیلات فارغ از اینکه درون‌مایه سیاسی داشته باشد یا امنیتی و اقتصادی، اگر در چارچوب ساختار نظام بین‌الملل تعریف شده باشد و جهت‌گیری آن بهره‌گیری از ظرفیت‌ها باشد هم برای ایران و هم برای سایر اعضا می‌تواند مفید باشد. بر همین اساس مهم‌ترین نکته این است که برخی از این کشورها ممکن است که بخواهند از این ابزارها بهره‌برداری سیاسی کنند و بلوک جدید را در مقابل یک بلوک دیگر قرار دهند که ما باید در این خصوص مراقبت‌های لازم را انجام دهیم تا در دام سیاسی کارهای بین‌المللی نیفتیم. لذا اگر اینچنین باشد، چنین اجلاس‌هایی می‌تواند به میزان ظرفیتی که درون خود دارد، مفید واقع شود.

در این خصوص باید توجه شود که تحریم‌ها در این میان یک مانع عمده به حساب می‌آید و برخی از این کشورها که در بریکس هم عضو هستند در ایجاد و اجرای این تحریم‌ها نقش داشتند. لذا اینکه صرفاً به عضویت بلوکی مانند بریکس در بیاییم و فکر کنیم که دیگر همه چیز تمام است و موانع برطرف شده، در حقیقت اینگونه نیست؛ چراکه این تحریم‌ها سازوکاری بوده که در سازمان ملل طراحی و اجرایی شده و عدول از آن برای کشورها دشوار است. از این منظر دکتر پزشکیان که در تبلیغات انتخاباتی خود و پس از آن بر حل مشکلات تأکید کرده بودند باید بتوانند از ظرفیت مثبت و مفید چنین بلوک‌هایی استفاده کنند و در عین حال به دنبال رفع موانع هم باشند. به همین جهت معتقدم که صرف عضویت در بریکس یا هر پیمان منطقه‌ای نمی‌تواند مشکلات را حل کند.

در مورد بخشی از این مشکلات می‌توان در بریکس با کشورهای عضو رازینی کرد و با تبیین و تشریح سیاست‌های خود به روشن شدن مواضع و حل و فصل مشکلات همچنین روشن شدن ذهنیت آنها کمک کرد. متأسفانه مشکل عمده ما این است که کشورها تحت تأثیر سازمان ملل و حتی اقدامات دو جانبه آنها با آمریکا قرار گرفته‌اند و خود را ناچار به تبعیت از آن می‌دانند و بر همین اساس باید اعتمادسازی در این خصوص صورت بگیرد. باید بتوانیم به این کشورها واقعیت موجود را بفهمانیم تا در نهایت از این وضعیت خارج شویم که البته این هم کار آسانی نیست و پیچیدگی و سختی‌های خاص خود را دارد؛ چراکه ما این مسیر را طی کرده‌ایم و برای بازگشت به آن راه طولانی داریم.

اعتقاد بر این است که بریکس می‌تواند یک ابزار باشد اما نمی‌توانیم بگویم که کشورهای عضو و اساساً تمامیت این بلوک سیاسی - اقتصادی تمام مشکلات ما را حل خواهد کرد؛ چراکه بسیاری از شرکت‌های موجود در کشورهای عضو بریکس عملاً خصوصی هستند و نمی‌توانند محدودیت‌های بانکی را در مواجهه با ایران نادیده بگیرند. در گذشته پیمان‌هایی مانند آکو، شانگهای و... را داشته‌ایم و حتی بحث پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس هم در این میان مطرح بوده اما واقعیت این است که در نظام بین‌الملل ساختاری ایجاد شده که نیاز است ما مشکلاتمان را با آنها حل و فصل کنیم. به عنوان مثال FATF، پالمو و... از جمله مسائلی است که تا ما آنها را حل نکنیم، دست کشورهای دیگر برای کمک به ما را می‌بندد.

برخی از پیش‌فرض‌های این اقدام هم داخلی است. ما می‌خواهیم به دنیا بفهمانیم که تحریم‌ها علیه تهران ظالمانه و خصمانه است اما باید بدانیم که فهماندن این موضوع به کشورها چندان ساده نیست؛ چراکه بسیاری از کشورها با ایالات متحده و غرب رابطه عمیق و پیشرفته دارند و از این روابط استفاده می‌کنند و همین موضوع مانع از آن می‌شود که آنها هم در سیاست‌های خود چرخش داشته باشند. بر همین اساس ابزارهایی مانند بریکس صرفاً می‌توانند در این راستا کمک حال ما باشند.

گزارش میدانی سازندگی از اولین حضور ایران به‌عنوان عضو اصلی گروه بریکس:

تعمیق روابط در کازان

رئیس‌جمهور پزشکیان در حاشیه اجلاس بریکس در شهر کازان روسیه
به‌منظور تقویت مناسبات سیاسی-اقتصادی، مذاکرات فشرده‌ای را انجام داد



اکبر منتجبی
سردبیر

کازان سرد است. از مسکو سردتر. هوا حدود ۸ درجه بالای صفر است. مسافران سر در گریبان دارند و اهالی شهر بدون توجه آنچه در شهر می‌گذرد در پالتوهای گرم روسی از سرما عبور می‌کنند. حضور روسای جمهور ۱۰ کشور عضو گروه بریکس در شهر کازان در جمهوری تاتارستان خبرنگاران بسیاری را به این شهر کشانده است.

گروه بریکس که سال ۱۳۸۹ در یکاترینبورگ روسیه تأسیس شد یک پیمان نوظهور میان قدرت‌های اقتصادی نوظهور به حساب می‌آید تا اگر بتوانند بلوک قدرتمندی میان خود و غرب ایجاد کنند. تحلیل روسای جمهور چین و روسیه و حتی هندی‌ها این است که انتقال قدرت از غرب به شرق حتمی است. به همین دلیل این بلوک سیاسی - اقتصادی در ابتدا با حضور کشورهای روسیه، چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی بریکس تشکیل شد. بعد نیز امارات متحده عربی، ایران، مصر، اتیوپی و آرژانتین نیز به آن پیوستند که البته رئیس‌جمهور جدید آرژانتین به دلیل راست‌گرایی مفرط در مقابل چپ‌گرایی بریکس در نامه‌ای اعلام کرد که دیگر تمایل حضور در این اجلاس را ندارد. حضور ایران در این اجلاس از چند زاویه مهم بوده و هست. اول به دلیل تحولات منطقه و جنگ طلبی اسرائیل. خاصه آنکه تلاش اسرائیل این است که پای ایران را به جنگ بکشاند. در عین حال کشتاری که در غزه و لبنان به راه انداخته ظاهرآ تمامی ندارد. طبعاً پزشکیان از ظرفیت این نشست در خصوص مهار اسرائیل استفاده خواهد کرد.

اهمیت دوم در این است که ایران تلاشش آن است از ظرفیت اقتصادی کشورهای نوظهور اقتصادی چون برزیل و هند و البته چین در جهت دور زدن تحریم‌ها و خنثی کردن آن استفاده کند. اما آیا می‌تواند موفق شود؟ خوش‌بینانه این است که مسیر سختی است، چه آنکه هر یک از این کشورها مراودات اقتصادی زیادی با آمریکا دارند و بعید است آن منافع را از بین ببرند اما روسیه که عضو مهم بریکس به حساب می‌آید و چون ایران زیر تحریم‌های خردکننده است، تلاشش این است یک بلوک مالی علیه غرب تشکیل دهد.

ادامه در صفحه ۳



دیدگاه: یادداشت سیاسی

وطن پرست شهیر

در دفاع از دکتر ظریف



کیکاووس پورابویی
روزنامه‌نگار

پس از انتخابات مجلس دوازدهم شورای اسلامی از حمید رسایی به خاطر شجاعت در گفتار، رک بودن و قاطعیت بیان در یک ساییت داخلی تعریف و تمجید کردم چون معتقدم نماینده مجلس، زمانی که وارد مجلس شد حال آنکه با کسب رأی بالایی انتخاب شده باشد یا رای حداقلی این پرسه را طی کرده باشد باید مانند گوی آتشین در پشت تریبون مجلس یا هر تریبون رسمی که قرار می‌گیرد با بیان حقایق و در دفاع از حقوق مردم، آزادی کلام و گفتار را به مردم آموزش دهد و جامعه و شهروندان را با فضیلت شجاعت بیشتر آشنا سازد.

اما در مدت کوتاهی بی‌بردم در پشت این نطق‌های آتشین و فریادهای بی‌تاب همیشگی، هیچ تفکر و تأمل عمیقی حاکم نیست و صرفاً با کینه، حرص و آز پیریزی شده است. اخیراً مواضع ایشان و دوستانش را در جبهه پایداری در مقابل دکتر ظریف شاهد هستیم. مملکت با این همه گرفتاری و معضلاتی که با آن روبه‌رو است، کار این آقایون فقط شده سد راه وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور و حمله بی‌وقفه به حیثیت حقوقی و حقیقی یاران نزدیک ایشان به خصوص دکتر ظریف. راقم به درستی نمی‌داند آیا فرزند آقای ظریف تبعیت آمریکایی دارد یا نه، البته اگر تبعیت داشته باشد، باز دلیل نمی‌شود که ایشان از داشتن مناصب دولتی باید منع شود. اعمال فرزند و بالعکس روی کارنامه دیگری نوشته نمی‌شود زیرا هر کس پاسخگوی رفتار خویش است. مگر در مجلس گذشته نبود که فرزند نماینده معروف اصولگرا با گروه معاند جمهوری اسلامی همکاری داشته و حتی راپرت به آنان می‌داده است، پس چرا هم خودش و هم فرزند معززش مورد مواخذه قرار نگرفتند و رفت حکیمانه شامل حالشان شد. اکنون منطقه در آتش جنگ می‌سوزد، مردم از مشکلات اقتصادی به تنگ آمده‌اند، خط فقر در حال بلعیدن قشرهای خاکستری جامعه است، زمان آن نیست که این مسائل اساسی در اولویت نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و دولت منتخب باشد؟ جایی رسیده که کشور کوچک امارات متحده عربی به تمامیت ارضی ما دست‌اندازی می‌کند و گام به گام در خارج از حوزه جغرافیایی عربی، ابتدا چین سپس روسیه و اکنون اتحادیه اروپا و چه بسا فردایی نزدیک کل دنیا را علیه ما متحد سازد و دیپلماسی ضعیف ما را به چالش بکشانند. اکنون که نیاز به بازی هم در میدان و هم دیپلماسی داریم، چه کسی در میدان دیپلماسی، کارکشته‌تر و تواناتر از دکتر ظریف می‌تواند به تیم دیپلماتیک ما کمک و مشاوره دهد.

کسی که زبان دنیا را بلد است، دنیا نیز او را می‌شناسند و به تبحر او در حوزه مرادفات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل آگاه است پس چنین فردی سرمایه ملی نیست؟ از همه مهم‌تر او عاشق وطن و میهن خویش است چراکه اگر مساله مام میهن نبود، ظریف نیز مانند بسیاری از مدعیان، می‌توانست جلای وطن گفته و گوشه عافیت را در فرنگ سپری کند. آیا چنین فرد متبحر و کارآزموده‌ای را باید کوبید و تضعیف کرد؟ قطعاً چنین پتانسیلی هر جا باشد از او به بهترین نحو استفاده را می‌کنند، در حالی که اینجا برعکس همه جا عمل می‌شود. بالاترین جرمی که به ایشان نسبت می‌دهند و جسته و گریخته می‌گویند مساله برجام است، البته نمی‌دانم کجای برجام خیانت او بود؟ ترامپ برجام را نابود کرد. سوال اینجاست ترامپ فقط زیر برجام را زد؟ چند معاهده بین‌المللی را نادیده گرفت و باطل ساخت؟ می‌گویند ظریف حتی یک بار برجام را نخونده است، کسانی این حرف را می‌زنند که در عمل اثبات کردند، مطالعات اندکی در روابط و حقوق بین‌الملل دارند. دولت اکنون شعار وفاق ملی را پیش کشیده و در قالب آن بالاترین امتیاز را به جناح رقیب واگذار کرده و دوست دارد، آرامشی در فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور حاکم شود تا مقداری از مشکلات اقتصادی کشور کاسته شود، پس حاشیه‌ها را باید کنار گذاشت.

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس:

شکست بزرگ سیاستمداران غرب

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار همچنین استان فارس را برترین مظهر ترکیب دین، حماسه و هنر خواندند و با گرامیداشت یاد شهیدان برجسته این دیار از گذشته تاکنون از جمله شهیده معصومه کرباسی که به تازگی در لبنان هدف جنایت رژیم صهیونیستی قرار گرفت، گفتند: کنگره شهدای استان فارس باید ترکیب زیبای حماسه و هنر و دین را ماندگار کند.

ایشان با اشاره به تلاش‌هایی در دوره پهلوی برای دین‌زدایی از شیراز و استان فارس خاطر نشان کردند: غلط کردند کسانی که در آن دوره خیال کردند با اقدامات سخیفی مانند جشن هنر شیراز می‌توانند، شیراز را از حرم اهل بیت و مرکز دین و ایمان به نقطه فساد برگردانند. البته امروز نیز برخی تفاله‌ها و پسماندهای آن تشکیلات در کشور عزیز ما به دنبال جدا کردن هنر از معنویت و حماسه‌اند اما آنچه موجب پیشرفت کشور و ملت است، ترکیب دین، حماسه و هنر است.

آیت‌الله خامنه‌ای دست‌اندرکاران برگزاری کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس را به اثرسنجی تولیدات فرهنگی و هنری توصیه کردند و افزودند: جوانان ما به شناخت گذشته پر افتخار کشور به‌خصوص سال‌های پس از انقلاب و حقایقی مانند ابعاد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران و یا علت ۸ سال جنگ در مقابل دشمن یعنی نیاز دارند که لازم‌اند آن، روایت خوب و صحیح از حوادث انقلاب است.



به ابروی خود نیاوردند، باعث رسوایی سیاستمداران دروغگوی غربی و مدعیان حقوق بشر شد و بی‌اعتباری تمدن غرب را به همه دنیا نشان داد که این بزرگ‌ترین شکست برای آنهاست. آیت‌الله خامنه‌ای جبهه پشتیبان رژیم صهیونیستی را جبهه شرارت خواندند و افزودند: در مقابل این جبهه شرارت، جبهه مقاومت ایستاده و به توفیق الهی پیروزی از آن جبهه مقاومت است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر روز گذشته در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس، حوادث منطقه و ایستادگی و مجاهدت مقاومت را باعث تغییر در سرنوشت و تاریخ منطقه خواندند و با تأکید بر شکست رژیم صهیونیستی در نابود کردن مقاومت با وجود کشتار بیش از ۵۰ هزار انسان بی‌گناه، شکست بزرگ‌تر را رسوایی فرهنگ و تمدن و سیاستمداران غرب دانستند و گفتند: در صف‌آرایی جبهه مقاومت در مقابل جبهه شرارت، پیروزی از آن مقاومت است. آیت‌الله خامنه‌ای مسائلی کونی منطقه و حوادث غزه، لبنان و کرانه باختری را تاریخ‌ساز خواندند و گفتند: اگر امثال شهید سنوار پیدا نمی‌شدند که تا لحظه آخر بجنگند یا اگر بزرگانی همچون شهید سید حسن نصرالله نبودند که جهاد و عقل و شجاعت و فداکاری را با هم درآمیزند و به میدان بیاورند، سرنوشت منطقه به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.

رهبر انقلاب برآیند کونی حوادث منطقه را شکستی بزرگ نه فقط برای رژیم صهیونیستی بلکه برای تمدن و فرهنگ غرب دانستند و گفتند: صهیونیست‌ها فکر می‌کردند به آسانی قادر به نابودی گروه‌های مقاومت هستند اما امروز به رغم به شهادت رساندن بیش از ۵۰ هزار انسان بی‌دفاع و غیرنظامی و چند تن از سران برجسته مقاومت همچنین با وجود انبوه هزینه‌ها و حمایت‌های آمریکا و روسیاهی و نفرتی که در دنیا از آنها ایجاد شد به طوری که حتی در دانشگاه‌های آمریکا علیه جنایتکاران راهپیمایی شد، جبهه مقاومت و جوانان مبارز در حماس، جهاد

اسم رمز؛ وفاق!

عارف از استانداران خواست که با انتخاب چهره‌های شایسته و برجسته، در عمل وفاق را در جامعه نشان دهند



گروه سیاسی: همانطور که مسعود پزشکیان دولت خود را با نام دولت وفاق معرفی کرد و با همان اسم رمز، انتصاب‌هایی انجام داد که انتقاد بسیاری از تحلیلگران و اصلاح‌طلبان را در پی داشت، روز گذشته محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور هم انتخاب استانداران را جلوه دیگری از وفاق و همدلی در دولت دانست و گفت: «استانداران با انتخاب چهره‌های شایسته و برجسته در حل مشکلات منطقه خود، در عمل وفاق را در جامعه نشان دهند و معتقدم استانداران حاکم استان خود هستند و باید از همه پتانسیل کشور برای حل مشکلات مردم و توسعه و رشد اقتصادی استفاده کنند».

این درحالی است که بسیاری انتظار داشتند طبعاً چنین دولتی باید از حضور تدروهای که با مواضع خود فضای سیاسی و اجتماعی را دچار تنش می‌کنند، خالی باشد اما برخی انتصابات در وزارتخانه‌ها یا نهاد ریاست جمهوری به گونه‌ای است که وصف «وفاق» درباره دولت پزشکیان را به چالش می‌کشد. از معرفی وزرای کابینه به مجلس که باعث شد اکنون علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش باشد. فردی که شهریور ۱۴۰۰ طی حکمی از طرف ابراهیم رئیسی به سمت سرپرست این وزارتخانه منصوب شده بود. اسماعیل خطیب هم وزیر اطلاعات دولت سیزدهم بود که مجدداً فرمان این وزارت را به دستان او سپردند. امین حسین رحیمی، وزیر دادگستری دولت سیزدهم بار دیگر به عنوان وزیر دادگستری دولت چهاردهم به مجلس معرفی شده بود که بدین ترتیب با رای اعتماد پارلمان، او وزیری است که در دو دولت متفاوت رئیسی و پزشکیان حضور دارد. جالب است که احمد دنیا مالی، چهره نزدیک به محمدباقر قالیباف که بیشترین تصدی را در کابینه دوم احمدی‌نژاد داشته، چهره‌ای است که توسط مسعود پزشکیان برای سکانداری وزارت ورزش و جوانان معرفی شده است. همچنین انتصاب جواد اوجی، وزیر نفت دولت سیزدهم به عنوان قائم مقام سازمان انرژی اتمی توسط محمد اسلامی، رئیس این سازمان که خودش هم توسط پزشکیان از دولت قبل مجدداً ابقا شد.

از وزرا که بگذریم، انتصاب برخی از استانداران تحت عنوان وفاق ملی و آن هم از جریان رقیب، باری دیگر تعجب همگان را برانگیخت. به عنوان مثال: تعیین محمدصادق معتمدیان به عنوان استاندار تهران توسط هیات دولت که سابقه استانداری آذربایجان غربی را در دولت ابراهیم رئیسی دارد. معتمدیان کسی بود که با دستور ابراهیم رئیسی برای تغییر دبیر کارگروه و مدیر اجرایی احیای دریاچه ارومیه هم جایگزین عیسی کلاتری در این جایگاه شده بود. کمی پیش از تعیین استاندار تهران، مهدی جمالی‌نژاد است که به عنوان استاندار اصفهان منصوب شد. بسیاری او را چهره نزدیک به جبهه پایداری می‌دانند و حتی شایعه استناد شدن او مدت‌ها داد مردم اصفهان را نیز درآورده بود. و همینطور استاندار یزد و ...

دولت پاسخگوی رای دهندگان باشد

محمدرضا عارف در جلسه هیات دولت روز چهارشنبه از وزرای دولت خواست پس از نهایی شدن انتخاب استانداران آیین‌نامه‌های برنامه هفتم توسعه هر چه سریع‌تر به استانداران ابلاغ شود تا مسیر آینده کاری آنان روشن باشد. وی خطاب به استانداران دولت چهاردهم تأکید کرد: «از استانداران می‌خواهم که اولویت‌های استانی خود را تا پایان سال مشخص کنند تا دولت بتواند در پایان سال به مردم گزارش دهد تا کارنامه قابل قبولی در مسیر خدمت‌رسانی به مردم در انتهای سال داشته باشیم.»

اما خالی از لطف نیست که آقای عارف هم مانند رئیس جمهور این موضوع را فراموش نکند که استانداران در هر استان، نماینده دولت در آن شهر هستند. لذا زمانی که فردی از نزدیک‌ترین افراد به جریان مخالف دولت انتخاب شود که حتی تفکر و شعراهایش هم زمین تا آسمان فرق کند، دیگر چه نمایندگی‌ای برای قوه مجریه دارد و حامیان دولت چگونه می‌توانند پاسخگوی رای دهندگانی باشند که هرگز نمی‌خواستند پای صندوق رای بیایند. بنابراین هر چقدر هم دولت چهاردهم خطاب به استانداران (از طیف رقیب) از وفاق و یک‌رنگی سخن بگوید، نکته مهم این است که بسیاری بر این باورند که مسعود پزشکیان و دولتش بهتر بود که وفاق مدنظرش را کمی با نکته‌سنجی بیشتری پیش ببرد زیرا به ظن آنها مادامی که در عمل، نشانه‌هایی دل بر این دیده شود که مخالفان او دست از اندیشه مخرب و واپس‌گرا برای مردم و انز و آفرین برای کشور نکشیده باشند به مبارزه با این اندیشه خواهند آمد. البته همین طور هم شد و درحالی

که هرچند رئیس دولت چهاردهم تلاش دارد تا راه تداوم راهبرد آشتی سیاسی را پیش بگیرد و یک گفت‌وگو جدید سیاسی بیافریند اما گویا خودش هم به تدریج در دام حقه‌های جریان رقیب که چندان دل خوشی از او و همراهانش ندارند، گرفتار می‌شود به طوری که از او حد و حدود می‌خواهند و برخی وزرایش که رسماً الان در کابینه هستند و قوه مقننه آنها را تأیید کرده است را به چالش‌های جدی می‌کشد.

به هر رو، دولت چهاردهم ضمن اینکه باید به سمت همه دست دوستی دراز کند باید در حوزه کنش‌های عمیق عقیدتی و فرهنگی این موضوع را مدنظر قرار دهد که قطعاً دورویکرد مخالف و متفاوت در مدیریت کشور به نقطه مبارزه با هم رسیده‌اند و یکی بر دیگری پیروزی یافته و مردم به این گفت‌وگو و گفت‌وگو و روش رای دادند. اگر مردم فردا خلاف این را ببینند، خواهند گفت این جنگ زرگری بود و اعتمادشان را از دولت پس می‌گیرند و این برای کشور، توسعه ملی و همه کسانی که این اتفاق و این شرایط و حضور را فرصت، دستمایه و سرمایه برای جمهوری اسلامی تلقی می‌کردند، آفت است. در نتیجه رئیس جمهور چهاردهم نباید این موضوع را فراموش کند همان‌طور که تلاش دارد در همان قالب شخصیتی و رفتاری که وارد کارزار انتخابات شد و با شفاف‌سازی و صداقت سخن بگوید، اما نکته مهم این است که هر روشی بدون در نظر گرفتن علم سیاست و احزاب ممکن است رئیس جمهور جدید را در آینده‌ای بسیار نزدیک در باتلاق مخالفتش که چندان دل خوشی از او و همراهانش ندارند، گرفتار کند.

خبر آخر

شهید راه قدس

حزب الله شهادت سیدهاشم صفی الدین
رئیس شورای اجرایی مقاومت لبنان را تأیید کرد

حزب الله لبنان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که سیدهاشم صفی الدین، رئیس شورای اجرایی حزب الله در مسیر قدس به شهادت رسیده است. حزب الله در بیانیه خود خاطر نشان کرد: ما به امت شهدا و مجاهدین، امت مقاومت و پیروزی، خبر شهادت سیدهاشم صفی الدین، رضوان الله تعالی علیه، فرماندهای عظیم و شهیدی بزرگ در راه قدس را اعلام می‌کنیم. حزب الله تصریح کرد که سیدهاشم صفی الدین در حمله جنایتکارانه و خصمانه رژیم صهیونیستی به همراه جمعی از بهترین برادران مجاهد خود به شهادت رسید.

در این بیانیه آمده است، سیدهاشم صفی الدین به برادر خود، شهید بزرگوار ما سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان پیوست که چه برادر خوبی برای برادر خود بود و به منزله حضرت ابوالفضل عباس علی السلام برای برادرش امام حسین علیه السلام بود. او برادر، پشتیبان و پرچمدار و مورد اعتماد وی در سختی‌ها و ضامنی در دشواری‌ها بود. سیدهاشم صفی الدین بیشتر حیات خود را در راه خدمت به حزب الله و مقاومت اسلامی و جامعه آن سپری کرد و طی سال‌های مدیری از عمر شریف خود را با احساس مسئولیت و اقتدار، اداره شورای اجرایی و نهادهای مختلف آن را در زمینه‌های مختلف و هر آنچه که با فعالیت مقاومت در ارتباط بود بر عهده داشت. او ارتباط نزدیکی با حامیان مقاومت داشت و دوستدار خانواده‌های شهیدا بود تا آنکه خداوند با کرامت، او را در زمره کاروان نورانی شهدای کربلا قرار داد. در بیانیه حزب الله آمده است: ما با شهید بزرگ خود و برادران شهیدش عهد می‌بندیم که مسیر مقاومت و جهاد را تا زمان محقق ساختن اهدافش در آزادی و پیروزی ادامه دهیم.

هاشم صفی الدین که بود؟

سیدهاشم صفی الدین پس از سال‌ها ایفای نقش موثر در حزب الله لبنان به عنوان رئیس شورای اجرایی این جنبش و نظارت بر بخش‌های مهمی از فعالیت‌های این جنبش از جمله فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی در حمله رژیم صهیونیستی به ضاحیه جنوبی بیروت به شهادت رسید. سیدهاشم صفی الدین در سال ۱۹۶۴ در شهر «دیر قانون النهر» در منطقه «صور» در جنوب لبنان به دنیا آمد. او در خانواده‌ای متولد شد که از نظر اجتماعی حضور پررنگی در لبنان داشت و از جمله چهره‌های برجسته معرفی شده به منطقه توسط این خانواده (محمد صفی الدین) و چند روحانیونی برجسته بودند.

صفی الدین پس از دوران مدرسه به همراه «سیدحسن نصرالله» عازم قم شد. طبق گفته برخی منابع، سیدصفی الدین، سیدحسن نصرالله و شیخ نبیل قاوقی به تشویق عماد مغنیه برای تحصیلات در حوزه علمیه عازم قم شدند. صفی الدین پس از تکمیل تحصیلات حوزوی به همراه سیدحسن نصرالله و عماد مغنیه (سه‌گانه قدرت) را در حزب الله تشکیل دادند؛ مغنیه به عنوان نیروی نظامی، سیدنصرالله نیروی سیاسی و صفی الدین نیروی اداری و مدیریتی و امروز سمت ریاست شورای اجرایی دومین سمت در سلسله مراتب این جنبش محسوب می‌شود.

سیدهاشم صفی الدین که از زمان تأسیس حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۲ عضو این جنبش بود از سال ۱۹۹۲ ریاست شورای اجرایی آن را به دست گرفت و تا زمان شهادت در حمله به بیروت در این سمت باقی ماند. وی همچنین یکی از ۷ عضو شورای مشورتی تصمیم‌گیرنده حزب الله لبنان بود و در شورای اجرایی نیز بر بخش‌های مهمی از فعالیت‌های این جنبش؛ از جمله فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی حزب الله نظارت می‌کرد. او به دلیل نقش موثر در فعالیت‌های حزب الله در سال ۲۰۱۷ از سوی آمریکا تحریم شد. حزب الله لبنان شامگاه چهارشنبه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که رئیس شورای اجرایی حزب الله در مسیر قدس به شهادت رسیده است.



اعتراضات جدید بنگلادش

اعتراضات در داکا پایتخت بنگلادش مجدداً از سرگرفت شده و دست کم ۵ نفر در جریان درگیری با پلیس محلی زخمی شدند. معترضان در داکا خواستار استعفای محمد شهاب الدین، رئیس جمهور این کشور به دلیل اظهارات اخیرش درباره استعفای شیخ حسین، نخست‌وزیر سابق بودند. معترضان ادعا کردند که رئیس جمهور این کشور هم‌پیمان حزب عوامی لیگ و شیخ حسین، نخست‌وزیر برکنار شده است.



پنتاگون تحقیقات نمی‌کند

لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا گفت از هیچ یک از کارمندان وزارت دفاع این کشور درباره اسناد محرمانه منتشر شده مرتبط با حملات احتمالی اسرائیل به ایران تحقیقات به عمل نمی‌آید. این در حالی است که اسکای‌نیوز اخیراً به نقل از یک مقام پنتاگون مدعی شده بود آراین طباطبایی، کارمند ارشد در دفتر وزیر دفاع آمریکا مظنون به افشای اسناد محرمانه مرتبط با ایران است.



فرصت برای عادی سازی روابط

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده در سفر به اسرائیل و کشورهای منطقه در دیدار و گفت‌وگو با بنیامین نتانیاهو خواهان استفاده از فضای فعلی غزه برای آزادی گروگان‌ها و پایان جنگ شد و بر لزوم اتخاذ گام‌های بیشتر برای پایداری ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه تأکید کرده است. بلینکن از اسرائیل خواست از فرصت عالی برای حرکت به سمت عادی‌سازی روابط با عربستان استفاده کند.

ادامه تیتراک

تعمیق روابط در کازان



سه پیشنهاد اصلی

سه پیشنهاد در بریکس مطرح است. اول راه‌اندازی یک بانک چندملیتی است تا از این طریق سازوکار مالی جدیدی را جدا از کشورهای غربی و آمریکا تعریف کنند. در صورت وقوع این اتفاق، هم چین و روسیه و هم هند و برزیل می‌توانند سرمایه ارزشمندی را به این بانک تزریق کنند. محور دومی که اعضای بریکس به دنبال آن هستند، تشکیل یک اتحادیه ارزی است. در واقع با الگوبرداری از اتحادیه اروپا می‌خواهند به پول واحدی برسند که این مبدا مرادفات مالی شود و سوم اینکه کشورهای عضو، روادید را بین هم لغو کنند تا دید و بازدید مردمان کشورها سهل و آسان شود؛ اما به قول حافظ «که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها». همه چیز ممکن است روی روی کاغذ راحت و سهل به نظر برسد اما در اجرا و عمل نه فقط خواستن که عبور از موانع مهم‌ترین شرط رسیدن است.

مذاکره درباره چابهار و هند

مسعود پزشکیان و هیأت همراه او از جمله گروه‌هایی بودند که کمی دیرتر به کازان رسیدند. تقدیم لایحه بودجه سال آینده به مجلس، برنامه او را برای سفر به عقب انداخت و فکر می‌کنم پزشکیان آخرین رئیس جمهوری بود که به روسیه آمد و مورد استقبال قرار گرفت و بلافاصله با نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند دیدار کرد. در این دیدار هم از مسایل منطقه صحبت کرد هم از تسریع در راه‌اندازی بندر چابهار توسط هند و هم درباره مرادفات اقتصادی و البته مسایل افغانستان.

پزشکیان عضویت ایران و هند در بریکس را زمینه مناسبی برای تقویت بیش از پیش روابط و همکاری‌های دو کشور در راستای تأمین منافع متقابل دانست و اظهار امیدواری کرد که اجرای توافقات فیما بین به خصوص در زمینه توسعه بندر چابهار تسریع شود. نخست‌وزیر هند هم در ادامه مناسبات دو کشور را استوار بر روابط دیرینه دو تمدن بزرگ و برخوردار از اشتراکات فرهنگی فراوان دانست و اعلام کرد که توسعه بندر چابهار از نظر هند بزرگترین رکن همکاری‌های دوجانبه است و معتقدیم توسعه این بندر نقش مهمی در تنظیم روابط دو کشور و نیز روابط تهران-دلهی با دیگر کشورهای منطقه دارد.

ملاقات با اماراتی‌ها

یکی دیگر از دیدارهای مهم او، دیدار با محمد بن زاید، رئیس دولت امارات متحده عربی بود. این دیدار قرار بود در اتاق مخصوصی که برای آنان در نظر گرفته شده بود، انجام شود اما به دلیل طولانی شدن سخنرانی‌های اصلی در اجلاس بریکس، پزشکیان و محمد بن زاید در حاشیه اجلاس و به دور از چشم خبرنگاران و عکاسان صحبت کردند. البته قبل از آن وزرای خارجه دو کشور به اتاقی رفتند و هر دوی آنها نیز سرپایی گفت‌وگو کردند. این سخنان نیز آنچنان آرام بیان می‌شد که حتی خبرنگاران و عکاسان نیز متوجه مفاد آن نشدند که دو وزیر درباره چه سخن می‌گفتند. به غیر از عراقچی، دو وزیر دیگر نیز همراه پزشکیان هستند. هم وزیر نفت و هم وزیر اقتصاد که هر دو تلاششان این است که در راستای آنچه رئیس جمهور به دنبالش است هم گره‌های اقتصادی را حل کنند و هم نفت بیشتری را بفرروشند.

گپ و گفت با پوتین

در دیدار پزشکیان با پوتین هم وقتی در سالن باز شد و خبرنگاران مستقر شدند، مدتی طول کشید تا وزرا و مقامات دو کشور وارد شوند. بعد هم که آمدند هر دو گروه مدت زمان قابل توجهی را ایستادند تا روسای جمهور بیایند. ظاهراً پوتین و پزشکیان دو نفری در اتاقی در بسته نشسته و گفت‌وگو می‌کردند؛ آن هم درباره موضوعاتی که طبعاً برای همه پنهان بود اما می‌توان حدس و گمان داشت که درباره چیست.

در مدتی که پوتین و پزشکیان دو نفری در آن اتاق صحبت می‌کردند در این سالن همه ایستاده بودند. نه وزرای ایرانی با مقامات روسی سخن می‌گفتند نه آنها با آنها. در این بین فقط یکی از مقامات اقتصادی روس به دیدن عبدالناصر همتی آمد و دو نفری گپی کوتاه زدند. اما وزرای خارجه اصلاً، لاوروف آن سوی میز بود و عراقچی این سوی میز. تا اینکه پوتین و پزشکیان رسیدند. میکروفون‌ها باز شد. هر دو طرف ابراز خوشحالی کردند و از توسعه روابط سخن گفتند و ضرورت همکاری‌های مشترک را برشمردند. بعد از این تعارفات با اشاره پوتین، خبرنگاران و عکاسان جلسه را ترک کردند تا مقامات دو کشور با هم سخن بگویند. آنچه برایم جالب بود،

حضور مقامات سیاسی در تیم پوتین بود. مثلاً رئیس حزب لیبرال یا احزاب دیگر از افرادی بودند که در این جلسات و احتمالاً جلسات مشابه رییس جمهور، روسیه را همراهی می‌کردند؛ برخلاف هیأت ایرانی که همه از مقامات سیاسی و اقتصادی بودند.

ملاقات با ژنرال

دیدار با عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر یکی دیگر از ملاقات‌های مهم پزشکیان بود. چندی پیش سیدعباس عراقچی در سفرش به قاهره که در قالب تور منطقه‌ای انجام شد با السیسی دیدار داشت و بدین ترتیب روابط به صورت آشکار به سمت از سرگیری متمایل شد اما دیدار پزشکیان با همتای مصری‌اش را هم باید در ادامه آن و بسیار مهم دانست. او با اشاره به اینکه «بند به شعار و رویکرد ایجاد فاق و همدلی در داخل کشور و تقویت روابط دوستانه با دیگر کشورها موفق به جلب اعتماد مردم کشورم شدم»، گفت که جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌وجه به دنبال جنگ و درگیری نیست. ژنرال السیسی هم گفت که «در وهله اول به عنوان یک مسلمان باور دارم که باید با تفاهم و گسترش دوستی‌های امور خود را به پیش ببریم و از همین رو در تمام سال‌هایی که روابط ما دچار مشکل است حتی یک بار علیه جمهوری اسلامی ایران موضع اتخاذ نکرده‌ام. به نظرم شما باید تلاش کنید، تصویر نادرستی که در ۴۰ سال گذشته از ایران در منطقه و جهان ارائه شده است را اصلاح کنید». احتمالاً دیدارهای پزشکیان امروز تمام و با برخی از دیگر مقامات روزهای بعد دیدار کند اما مهم‌ترین دیدارهایش را امروز انجام داد. نکته جالب این بود که به رغم برنامه‌های فشرده‌ای که از ۶ صبح آغاز و تا غروب ادامه داشت، نشانه‌ای از خستگی در چهره پزشکیان دیده نشد. او با خونگرمی یک ایرانی خندان با هر رییس جمهور دیدار می‌کرد، دست آنها را به گرمی می‌فشارد و پس از سخنانش خندان او را بدرقه می‌کرد. همین هوای سرد کازان را گرم می‌کرد. گویی نه انگار سرما در این شهر پیچیده است و سوز زوزه می‌کشد. پزشکیان در یکی از دیدارهای خود جمله نغزی گفت: «آینده را باید ساخت نه آنکه منتظر آمدنش نشست». امید که بتواند چنانکه روز پیش نیز گفته بود، ایران را بسازد.

دریچه: تحلیل عادات

از محافظت تا تشخیص نقش لباس در زندگی انسان‌ها



حسن سیمایی
پژوهشگر

لباس جزء ضروری زندگی روزمره انسان است، می‌تواند در شرایط سرد یا گرم و وسیله مناسبی برای محافظت از ما باشد و یک حفاظ بهداشتی ایجاد کند و مواد مضر را از بدن دور نگه داشته و نیز بدن انسان‌ها را از اشعه ماوراء بنفش محافظت کند. بنابراین لباس علاوه بر محافظت از ما در برابر محیط برای سلامت بدن نیز مهم است ضمن آن‌که نقش‌های متعدد دیگری را نیز در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند.

قدمت لباس بین ۹۰ هزار تا ۱۲۱ هزار سال است. ضمناً رد شپش‌های لباس را می‌توان در اولین لباسی که ما به عنوان انسان می‌پوشیدیم در حدود ۱۷۰ هزار سال پیش هم ردیابی کرد. هم‌چنین یکی از ۹۸ ابزار ۴۰۰ هزار ساله ساخته شده از استخوان فیل که در ایتالیا کشف شده؛ ممکن است برای صاف کردن چرم و استفاده از آن در یک نوع لباس بوده باشد. البته از دوران باستان، بررسی روند پوشیدن لباس از این نظر اهمیت داشته که به عنوان یک پیشرفت بنیادین شناخته می‌شود. زیرا به عنوان نمونه راه را برای مهاجرت انسان‌ها به شمال کره زمین، یعنی مناطق سرد و یخبندان هموار کرد.

پوشیدن لباس علاوه بر حفظ ایمنی در برابر آب و هوا (گرما، گردوغبار، باران و سرما) در مراحل بعدی زندگی بشر در مقام حفظ حیا و به عنوان زینت و ارائه هویت نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. هم‌چنین بهره‌گیری از انواع لباس موجب پیشرفت دانش انسان‌ها شده است. مثلاً چرا در تابستان پنبه می‌پوشیم؟ چگونه می‌فهمیم که لباس‌های نخی برای تابستان مناسبتر هستند یا این‌که انسان با پیشرفت دانش دریافت، لباس‌های پشمی اکثریت قریب به اتفاق گرمای خورشید را جذب می‌کنند و در طول زمستان آن‌ها را گرم نگه می‌دارند.

علاوه بر پیشرفت دانش؛ طرز لباس پوشیدن ما چیزهای زیادی در مورد این‌که چه کسی هستیم هم‌چنین در مورد موقعیت ما در جامعه به دیگران می‌گوید. از این جنبه لباس به عنوان نوعی ابزار وجود عمل می‌کند و می‌تواند برای برقراری ارتباط، تبیین موقعیت اجتماعی، اعتقادات مذهبی و توصیف سبک شخصی؛ استفاده شود. در برخی فرهنگ‌ها از لباس برای اهداف تشریفاتی نیز استفاده می‌شود. از این رو آگاهی از روند بهره‌گیری و تغییرات لباس در تغییرات اجتماعی مهم است مثلاً آگاهی از مدل‌های لباس در قرون وسطی برای درک ساختار آن جامعه نقش اساسی دارد. اروپای قرون وسطی یک جامعه فئودالی مبتنی بر مالکیت زمین بود. اشراف مالکیت و مدیریت زمین‌های خود را داشتند، دهقانان روی زمین کار می‌کردند و کالاهایی که تولید می‌کردند را به اشراف می‌دادند. این ساختار به این معنی بود که دهقانان بسیار فقیر بودند و اشراف به طور قابل توجهی ثروتمندتر بودند بنابراین لباس دهقانی از پارچه‌های ساده به رنگ‌های اصلی و بدون زینت درست می‌شد. از سوی دیگر، لباس‌های اشراف رنگ‌آمیزی شده، با خزهای حیوانات آراسته و با گل‌دوزی‌های پیچیده‌ترین می‌شد. در دوران جدیدتر نیز جنبه‌های کاربردی لباس بسیار مهم است به همین جهت است که مد نیز نقش مهمی در جامعه دارد و این‌که چرا افراد لباس‌های خاصی را انتخاب می‌کنند، اهمیت می‌یابد. امروزه برای بسیاری لباس راهی برای بیان شخصیت و فردیت آن‌هاست. در برخی موارد، افراد ممکن است اقلام خاصی از لباس بپوشند تا انگشت‌نما شده یا از بین مردم متمایز شوند. به عنوان یک نمونه برجسته و کاربردی؛ لباس در قالب یونیفرم‌ها افرادی را نشان می‌دهد که در یک شغل خاص کار می‌کنند مانند محصلین، دانشجویان، کارمندان و حتی مشاغل کوچک مانند کارگران فست فود. البته لباس‌های مخصوص مراسم‌هایی مثل عروسی هم یک یونیفرم به شمار می‌آید.

در چنین وضعیتی لباس‌ها به عنوان یک شاخص جزء مهمی از زندگی اجتماعی ما هستند. چراکه انسان‌ها می‌خواهند متمایز از دیگران به نظر برسند بنابراین لباسی که می‌پوشند؛ این کار را انجام می‌دهد. در مجموع لباس بخش مهمی از زندگی انسان است و تا قرن‌های آینده نیز چنین خواهد بود.

پدر نثر فارسی

حسن سیمایی صراف: ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی دبیر، پدر نثر فارسی، یکی از پرآوازه‌ترین نویسندگانی است که بیهقی، خراسان و ایران به وجود وی می‌بالند. او گزارش‌گر حقیقت است و تاریخ بیهقی نمونه‌ای کم‌مانند از تاریخی است که می‌توان نگاشت. تاریخ‌نویسی بیهقی بر پایه شیوه دقیق علمی، حقیقت‌جویی و بهره‌گیری از خردمندی رویدادها استوار است؛ بیهقی در سنجش رفتار شایست و ناشایست حاکمان و اهلهای به خود راه نمی‌دهد.

شاهنامه مصور

«شاهنامه بزرگ ایلخانی؛ ابوسعیدنامه کهن‌ترین نسخه مصور شاهنامه از دوره ایلخانی» از ابوالعلاء سودآور که نشر فرهنگ و هنر مان آن را منتشر کرده، اول آبان با حضور اهالی فرهنگ در کتابخانه و موزه ملی ملک رونمایی شد. ابوالعلاء سودآور نوه دختری حاج حسین آقا ملک، واقف بزرگ کشور با پژوهش درباره این نسخه و گردآوری عکس‌هایی از نگاره‌های آن، انتشار یک‌جای این اثر را فراهم کرده است.

داستان مورد توجه معروفی

حنانه سلطانی: سال ۱۳۹۳ عباس معروفی کارگاه آنلاینی برگزار کرد. در یکی از تمرین‌ها داستان کوتاهی به نام «استخوان» خواندم که مورد توجه او واقع شد و شور و اشتیاقی که از استاد معروفی دیدم، باعث شد رمان «چریک» نوشته شود. در خانواده‌های بزرگ شدم که حوادث انقلاب و پس از آن تاثیر زیادی روی اطرافیانم گذاشته و همین باعث شد، داستان‌هایم به سمت و سوی دهه ۵۰ باشند.



استقلال فرهنگ

در دیدار و گفت‌وگوی معاون فرهنگی ارشاد با اعضای اتحادیه ناشران مطرح شد

جلسه اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان، عصر سه‌شنبه اول آبان با حضور معاون فرهنگی وزیر ارشاد و بدون حضور خبرنگاران این حوزه در دفتر اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران برگزار شد. اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران مهم‌ترین و فراگیرترین اتحادیه نشر و یکی از نهادهای صنفی دیرپاست که رویکرد معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره‌های مختلف نسبت به آن با فراز و فرودهایی همراه بوده است. در دولت یازدهم و دوازدهم یعنی زمانی که سیدعباس صالحی در قامت معاون فرهنگی سپس وزیر ارشاد فعالیت می‌کرد، معاونت فرهنگی طرح واسپاری امور به صنف را پیگیری می‌کرد حتی بخشی از امور مربوط به صنعت نشر به اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان واگذار شد اما با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت سیزدهم و زمانی که یاسر احمدوند مسئولیت معاونت فرهنگی را بر عهده داشت، شاهد رویکرد متفاوتی نسبت به اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان بودیم. این رویکرد از همان دیدارهای ابتدایی معاون فرهنگی با انجمن‌های نشر قابل مشاهده بود. حالا بعد از ۳ سال و روی کار آمدن دولت چهارم و سپردن سکان معاونت فرهنگی وزارت ارشاد به عبدالحسین کلانتری، اولین دیدار و گفت‌وگوی او با اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان انجام شد. این دیدار این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که احتمالاً قرار است، رویکرد و نوع تعامل معاونت با اتحادیه تغییر کند که می‌تواند موضوع امیدبخشی برای فعالان حوزه نشر باشد. هرچند این دیدار مهم که می‌تواند نشان از رویکردهای جدید وزارت ارشاد در مقابل فعالان صنفی باشد بدون حضور نمایندگان رسانه‌ها برگزار شد.

ضرورت تشکیل اتحادیه سراسری نشر

ابراهیم کریمی، رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران در گفت‌وگو با خبرنگاری تسنیم درباره حضور عبدالحسین کلانتری، معاون فرهنگی وزارت ارشاد در اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران گفت: «معاون فرهنگی وزارت ارشاد با حضور در اتحادیه با اعضای هیأت مدیره و برخی از ناشران دیدار کرد، این نشست به پیشنهاد معاونت فرهنگی ارشاد تشکیل شد. البته ما پیش از این تقاضا کرده بودیم که دیداری در محل وزارت‌خانه داشته باشیم که معاون فرهنگی ارشاد با بزرگواری خودشان پیش قدم شدند و نخستین نشست را در اتحادیه برگزار کردیم.» کریمی با اشاره به مفاد مطرح شده در جلسه گفت: «دیدار نخست بیشتر دیدار آشنایی و معارفه بود، ما شرایط فعلی صنعت نشر را توضیح دادیم و مهم‌ترین مطالبه صنف نشر نیز تکرار این دیدارها به صورت ماهانه یا حداقل دو

ماه یک بار و تشکیل کارگروه‌های مشترک در صورت نیاز برای برطرف کردن مشکلات و چالش‌های نشر بود.» او با اشاره به حضور برخی ناشران پیشکسوت در این نشست، گفت: «آقایان آخوندی، گنج‌دانش، جلالی، کیابیان، حسین‌زادگان، خرسندی و... در این نشست حضور داشتند. معاون فرهنگی وزارت ارشاد نیز مهم‌ترین مسأله در صنعت نشر را نیاز به تحول عنوان کرد و گفت این تحول بیشتر در نگاه و سیاست‌گذاری‌ها خواهد بود.» کریمی با اشاره به این‌که اتحادیه خانه همه ناشران و کتاب‌فروشان است، گفت: «در این نشست یکی از مسائلی که مطرح شد، تشکیل اتحادیه سراسری نشر بود که ما تقاضا داشتیم، وزارت ارشاد هم کاری لازم در این زمینه را با ما داشته باشد.»

وفاق با گفت‌وگو

بر اساس گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عبدالحسین کلانتری، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان گفت: «حوزه نشر تقاطع اقتصاد و فرهنگ است و با توضیحات شما در این جلسه این باور در بنده مستحکم‌تر شد.» او بر استقلال حوزه فرهنگ تأکید کرد و ادامه داد: «تا زمانی که این استقلال وجود نداشته باشد، نمی‌تواند کارکرد خود را برای کشور و جامعه مدنی داشته باشد. حوزه فرهنگ اگر دوام و قوام خود را پیدا کند می‌تواند با سایر حوزه‌ها، ارتباط معقول و سازنده‌ای داشته باشد و در این صورت می‌تواند، انعطاف مناسبی داشته باشد و رابط بین فرهنگی و بین‌نسلی باشد و ایران فرهنگی بزرگ را شکل بدهد. از خلال گفت‌وگو است که می‌توانیم به تفاهم، وفاق و هم‌دلی برسیم و بدترین آسیب عرصه فرهنگ از بین رفتن گفت‌وگو است و در مناسبات میان دولت و بخش‌های مدنی مانند اصناف و حلقه‌های واسطه اگر گفت‌وگو شکل بگیرد، می‌توانیم به ارتباط پایدار برسیم. کلانتری با تأکید بر این نکته که اگر توانیم مدل مطلوب بخش صنفی و دولت را تنظیم کنیم دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شویم، خاطر نشان کرد: «ما

باید به میز گفت‌وگو برگردیم چون راه‌حلی جز گفت‌وگو نداریم و این مستلزم رفع بدبینی و سوء تفاهم است.» معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر این‌که تغییرات دولت‌ها معمولاً مناصب را بر اصناف و جوامع مدنی تحمیل کرده است، خاطر نشان کرد: «یکی از سیاست‌های اساسی در حوزه نشر و به طور خاص در عرصه فرهنگ اعتماد و واسپاری کارها به بازیگران عرصه فرهنگ است و این اعتماد به این معناست که به بازیگران حوزه نشر و فرهنگ باور داشته باشیم. تقاضای ما این است که محدودیت‌های ما را هم در نظر بگیرد و با درک شرایط و محدودیت‌ها به گفت‌وگوی برای حل مسائل برسیم.» کلانتری با تأکید بر این نکته که اصناف در سیاست‌گذاری و حوزه اجرا می‌توانند کمک قابل ملاحظه‌ای به دولت داشته باشند، گفت: «دولت خود را رقیب بخش خصوصی نمی‌بیند و هر جا شرایط برای واگذاری وجود داشته باشد این اتفاق اجرایی خواهد شد و اطمینان دارم خیلی بهتر و منطقی‌تر کارها پیش خواهد رفت.» معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این‌که دولت سکویی است برای کار تنظیم‌گری و تسهیل‌گری، گفت: «باید تحولی در حکمرانی صورت گیرد و مناسبات با تعریف شده‌ای ارائه شود؛ بسیاری از ابزار حکمرانی تغییر کرده است و حوزه نشر هم باید تعریف جدیدی با توجه به شرایط روز داشته باشد و این تحول حکمرانی پشت درهای بسته شکل نمی‌گیرد بلکه حاصل گفت‌وگو و تعامل است تا به فصل مشترکی برسیم. دولت نمی‌تواند بدون هم‌کاری اضلاع جامعه مدنی تحول ایجاد کند و مشارکت نیاز ایجاد مدیریت جدید است.»

ضرورت بازنگری در ممیزی

عبدالحسین کلانتری با تأکید بر این نکته که در محورهای ممیزی باید بازنگری شود، گفت: «محورهای ممیزی و مقیاس آن باید مورد بازنگری قرار گیرد تا مدلی متناسب با شرایط جدید داشته باشیم و به رضایت جمعی برسیم همچنین به حداقل‌هایی برای هم‌افزایی برسیم. معتمد مشکل لاینحلی وجود ندارد. برخی از مشکلات در کوتاهمدت و برخی هم در بلندمدت به کمک همه ما حل خواهد شد.» او در پایان اظهار کرد: «تلاش وزیر فرهنگ بر این است که حوزه مالیات اصناف فرهنگی به طوری مدیریت شود که آسیبی به این حوزه وارد نشود و در این مسیر تمام تلاش خود را برای همراهی سایر اضلاع مرتبط نظیر سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد، سازمان امور مالیاتی، مجلس محترم و دیگر مؤثرین پی خواهد گرفت. حوزه فرهنگ مظلوم واقع شده است و باید مورد توجه قرار گیرد.»

دیدگاه: یادداشت سینمایی

سفری مفرح با پایانی خوش

نگاهی به نمایش جزیره لوء لوء

نیلوفر ثانی
مشهد

سال گذشته و پس از اعلام رسمی بیماری آتیلا پسیانی یکی از موفق‌ترین و باسابقه‌ترین هنرمندان تئاتر و بزرگداشتی که در اردیبهشت ماه برای او ترتیب داده شد، گمان نمی‌رفت که او به این زودی ما را ترک کند اما در ۱۴ مهرماه ۱۴۰۲ او در اثر همان بیماری مهلک سرطان جان سپرد و درگذشت. ستاره پسیانی با فعالیتی بیش از دو، سه دهه در عرصه بازیگری تئاتر و تصویر در سالروز درگذشت پدر خود آتیلا پسیانی به کار نیمه تمام او پرداخت و نمایش «جزیره لوء لوء» را برای اجرا در تماشاخانه ایرانشهر آماده کرد و در اولین کارگردانی خود ضمن یادبودی برای آتیلا پسیانی فقید، تجربه کارگردانی را نیز آموخت تا شاید این مسیر را پررنگ‌تر ادامه دهد. به همین دلیل شاید جزیره لوء لوء انتخاب کم‌ریسکی برای او باشد که هر چند آغاز و شروع آن با آتیلا پسیانی بوده و وخامت حال او اجازه ادامه و بر صحنه آوردنش را نداد اما با بهره‌گیری از تجربیات کار با پدر و آشنایی با سبک و سیاق او به همراه اعضای خانواده‌اش فاطمه تقوی و خسرو پسیانی و همراهی دوستانی که بازیگرانی حرفه‌ای‌اند، بتواند اثری مقبول را ساخته و پرداخته کند. اثری که با مضمونی ساده و حتی ابتدایی به نوعی همان حال و هوای او را به شکلی سمبلیک بیان می‌کند. جوانی جوای نام، ماجراجویانه در پی گنجی می‌رود که مرد رهگذری پیش از مرگش به او نقشه راه را داده است. او که با مادرش در کافه‌ای نزدیک بندر مشغول به کار است، هیچگاه سرزمین‌های دور را ندیده و پا از آن منطقه بیرون نگذاشته است. اما تصمیم می‌گیرد برای یافتن گنج به این سفر پرخطر برود. برای عبور از دریاها با همکاری و همراهی دوستان و دریانوردانی خیره و کارکشته به جست‌وجوی آن سرزمین و گنج، دل به خطر می‌سپارد و هر چند در این مسیر خیانت و جفا و جراحت می‌بیند اما با حسن‌نیت و پاکدلی عاقبت به گنج دست می‌یابد. نمایش سبکی کم‌دی دارد تا بتواند بیش از پیش با هر قشر از مخاطب ارتباط برقرار کند و البته خانوادگی ما باشد. شاید قصد و نیتی هم که ستاره پسیانی برای ساخت این اثر داشته، همین بهانه دورهمی خانوادگی و سساعتی وقت‌گذرانی در کنار هم باشد. حتی در داستان نمایش هم رد پای از انس و الفت خانوادگی و تعلق خاطر به مهر و عشق این کانون گرم به روشنی قابل دریافت است. با وجود طنز و لحظات کمدیک و تمی فانتزی به خصوص حضور کاظم سبحانی در یک سوم پایانی که شیرین‌کاری‌ها به اوج می‌رسد و حضور ستاره‌های سینما و حرفه‌ای‌های تئاتر در نمایشی که پایان خوشی از دست‌یابی جوان به گنج و شکست دزدان دریایی و بدخواهان و بازگشتش به آغوش گرم مادر نیز دارد تا جای ممکن به اثری عام‌پسند و مورد اقبال اکثریت علاقمندان به وجه سرگرمی تئاتر و نمایش تبدیل شده و رضایت‌مند است. اثری که نه اندیشه‌ورزانه و نه مدون بلکه با متنی سفید و سیاه که عاقبت نیروهای خیر بر سرش پیروز می‌شوند همراه با طراحی دکوری عظیم از لنجی چوبی - آهنی که قطعات متحرک دارد و با تغییر و جابه‌جایی، چند منظوره قابل استفاده است، تلاش داشته فخر باشد اما با قصه‌ای محلی و بومی که قالبی افسانه‌ای نیز دارد و البته برداشتی از داستان جزیره گنج معروف است. ستاره پسیانی در اولین اثر کارگردانی خود و با وجود سال‌ها کسب تجربه در این هنر والا توانسته بادمان قابل قبولی برای آتیلا پسیانی بر صحنه بیافریند و بدون آنکه بخواد خود را وارد پیچیدگی‌های متن و لایه‌های اجرایی کند، ششی مفرح برای تماشاگرانش بسازد و به نظر می‌رسد در این هدف، ادای دینی به شکسپیر و کمدی‌های او نیز داشته است. هر چند اگر قصد او برای ادامه کارگردانی جدی باشد بدون شک باید قدم‌های حرفه‌ای و خلاقانه‌تری در این مسیر بردارد و بیش از یک قصه‌گویی کودکانه، انتخابگر سوزدها باشد.



کروز برای ایناربتوبازی می‌کند

از اوایل ماه آینده فیلمبرداری فیلم جدید الخاندرو گونزالس ایناریتو با بازی تام کروز در بریتانیا شروع می‌شود. این پروژه که هنوز عنوانی ندارد، اولین فیلم انگلیسی زبانی است که ایناریتو پس از «بازگشته از گور» می‌سازد. وی علاوه بر کارگردانی، تهیه‌کنندگی فیلم را هم برعهده دارد و فیلمش را بر مبنای فیلمنامه‌ای می‌سازد که سال ۲۰۲۳ همراه نیکلاس جیاکوبون و الکساندر دینلاریس نویسنده‌گان «مرد پرنده‌ای» نوشته بود.

اثر خون آشامی نوکن

در حالی که شایعات فراوان و شسوک‌کننده‌ای درباره فیلم آتی کریستوفر نولان دست به دست می‌شود، اخیراً گفته شده که این فیلم یک اثر خون‌آشامی است که در دهه ۱۹۲۰ روایت می‌شود و نام هالند پرآوازه در آن نقش آفرینی خواهد کرد. پیش از این مت دیومون بازیگری که در دیگر آثار نولان از جمله «اوپنهایمر» با وی همکاری داشته است به عنوان بازیگر اصلی این فیلم بدون عنوان معرفی شده بود.

اکران مستندی درباره ماستورپانی

مستند جدیدی درباره زندگی شخصی مارچلو ماستروپانی هم‌زمان با صد سالگی یکی از نمادین‌ترین بازیگران تاریخ سینمای ایتالیا در جشنواره فیلم رم به نمایش گذاشته می‌شود. فابریتو کورالو، کارگردان این مستند روزنامه‌نگار و کارشناس تاریخ سینمای ایتالیاست. او برای رادیو تلویزیون دولتی Rai ایتالیا تعدادی فیلم مستند درباره شخصیت‌های بزرگ سینمای ایتالیا ساخته است.

رئیس خاموش

وزیر ارشاد به جای رئیس سازمان سینمایی پاسخ پرسش‌های خبرنگاران را داد



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن توضیح علت تأخیر در معرفی برخی معاونان خود، نکاتی را هم درباره وضعیت سینمای بین‌الملل ایران و فیلم‌هایی که از ایران معرفی می‌شوند اما فقط نسخه قاچاق آنها به مخاطب ایرانی می‌رسد، بیان کرد؛ این درحالی بود که رئیس سازمان سینمایی به همین پرسش‌ها پاسخ نداد. سیدعباس صالحی عصر سه‌شنبه، یکم آبان ماه در پردیس سینمایی ملت حاضر شد و در حاشیه دیدار با دست‌اندرکاران جشنواره فیلم کوتاه تهران پاسخگوی سوال خبرنگارها شد. او ابتدا با توجه به جایگاه بین‌المللی این جشنواره، حضور تعداد زیاد فیلم از کشورهای خارجی را در شرایط فعلی منطقه انقاف مثبت و قابل توجه دانست.

این مدیر حرف نمی‌زند

در این بازدید راند فریدزاده (رئیس سازمان سینمایی)، وزیر فرهنگ را همراهی می‌کرد اما با وجود اینکه او ساعتی زودتر به پردیس ملت آمده بود، پاسخگوی سوال خبرنگارها نشد. این برای چندمین بار است که فریدزاده در مجامع عمومی حاضر به پاسخگویی به خبرنگاران نیست و به شکل‌های مختلف از پاسخ به پرسش‌های آنها طفره می‌رود. البته این عادت همیشگی اوست و از زمانی که در بنیاد سینمایی فارابی هم به عنوان معاون امور بین‌الملل فعالیت می‌کرد درباره چنین هیات انتخاب نماینده ایران در آکادمی اسکار و انتخاب آنها حاضر به پاسخگویی نبود و مسوولیت انتخاب کمیته‌ای که خود آنها را برگزیده بود را هم گردن نمی‌گرفت. از چنین مدیری که در آن سمت حاضر به پاسخگویی نبود، نمی‌توان انتظار داشت حالا که در سمت مهم‌تری مشغول به کار شده، بتواند مسوولیت چیزی را بپذیرد و گردن بگیرد. اما نکته مهم‌تر این است وقتی مدیری که مسوولیت‌های مهمی بر دوش دارد از صحبت درباره ساده‌ترین کارها مثل انتخاب دبیر جشنواره طفره می‌رود، این شائبه به وجود می‌آید که احتمالاً او به طور مستقیم، دستی در اداره کارها ندارد و مشاوران و یا افرادی در سایه هستند که کارها را در سازمان سینمایی پیش می‌برند و به همین خاطر است که او حاضر به صحبت درباره فعالیت‌هایی که در این سازمان در حال انجام است، نیست. به هر حال ادامه این رویه برای مدیری که در راس سازمان سینمایی قرار گرفته، صلاح نخواهد بود و تداوم آن ظن و گمان‌های بیشتری را به وجود خواهد آورد و حاشیه‌های بسیاری را تقویت خواهد کرد.

سینمای ایران نباید با پرچم‌های مختلف عرضه شود

صالحی در پاسخ به سوال ایسنا درباره اینکه او چه برنامه‌ای برای سینمای بین‌الملل ایران دارد، وقتی فیلم‌های دیگری که اصطلاحاً زیرزمینی هستند به عنوان سینمای ایران جایگاه پیدا کرده‌اند و صرفاً نسخه قاچاق آنها در اختیار مخاطب ایرانی قرار می‌گیرد، گفت: «من الان نمی‌توانم یک پاسخ دقیق و صریح در این زمینه بدهم چون نمی‌خواهم حرف غیرکارشناسی بزنم اما این دغدغه درست است و باید تلاش کنیم، سینمای ایران یک هویت یکپارچه داشته باشد. سینمای ما نباید با پرچم‌ها و ساحت‌های مختلف عرضه شود و مخاطب هم گم شود و نداند که سینمای ایران کجاست. سینمای ایران باید شناسنامه داشته باشد همان طور که پیش از این داشت. وقتی ما سینمای ایران را تجزیه می‌کنیم در حقیقت قاچاقی را به کل این هویت زده‌ایم پس باید تلاش کنیم آنچه از ایران عرضه می‌شود زیر لوای یک هویت باشد. تلاش‌هایی را در این زمینه ما باید انجام دهیم و تلاش‌هایی را هم دوستانی که در این مسیر حرکت کرده‌اند». این روزها فیلم‌هایی از سینمای ایران در جشنواره‌های

به سه تا استعلام افزایش پیدا کرده است». وی توضیح داد: «تراکم استعلام‌ها در این مدت بالا بوده و تا جایی که در جریان هستم بیش از ۷۰۰ مورد است. شرایط کشور هم از نظر منطقه‌ای در وضعیت خاصی است و باید به مسئولان مربوط هم حق داد. با این حال تا به امروز معاونین مختلفی در وزارت ارشاد انتخاب شدند، چند مجموعه دیگری هم که باقی مانده از ناحیه ما معرفی شده‌اند. البته من فکر می‌کردم این مسیر کوتاه‌تر طی شود ولی باید عذرخواهی کنم هرچند بخشی از این مسائل در اختیار ما نبود. امیدوارم به زودی گروه دوستانی که قرار است در دولت چهاردهم کنار هم کار کنیم، جمع شویم و وظایفی که بر دوشمان هست را انجام دهیم. در مجموع به نظر می‌رسد، می‌توان امیدوار بود تا به زودی چنین شرایطی فراهم شود. به‌رغم تمام این مسائل اکنون معاون فرهنگی، معاون مطبوعاتی، رئیس سازمان سینمایی، مدیرعامل ایرنا و... منصوب شده‌اند. چند مجموعه دیگر مانند معاون هنری نیز از طرف ما معرفی شده‌اند و اکنون منتظر استعلام‌ها هستیم. ابتدا فکر می‌کردیم که این فرآیند کوتاه‌تر باشد اما من این عذرخواهی را بابت تأخیر معرفی افراد بدهکارم و امیدوارم به زودی مجموعه دوستان در دولت چهاردهم تکمیل شود».

انتخاب معاون هنری تازه آنقدر به طول انجامید که محمود سلاری، معاون هنری فعلی که آماده رفتن از این معاونت است و وسایل خود را هم از محل کارش خارج کرده است، ناچار شد اعضای شورای سیاست‌گذاری هفدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر را منصوب کند. مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در این باره توضیح داده است: «چون پروسه تعیین وضعیت مدیران وزارت فرهنگ در دولت چهاردهم از زمان مقرر تعیین شده توسط وزیر طولانی‌تر شده است بر این اساس امکان درنگ بیشتر وجود نداشت و در نهایت تصمیم به برگزاری جلسه شورای سیاست‌گذاری فجر هفدهم گرفتند».

شایعات و گمانه‌زنی‌ها از انتخاب نادره رضایی به عنوان معاون هنری وزارت ارشاد حکایت دارد. این در حالی است که او تا پیش از این هیچ تجربه‌ای در اداره امور هنری از جمله نهادهای مرتبط با تئاتر موسیقی و تجسمی ندارد و گویا تنها به عنوان اینکه یک معاون زن در وزارت ارشاد اداره امور را در دست گیرد از سوی صالحی برای اداره معاونت هنری که یکی از پرچالش‌ترین معاونت‌های ارشاد است، در نظر گرفته شده است.

مختلف بین‌المللی حضور دارد که تنها نامی از ایران یادک می‌کشد و این آثار قابل نمایش در کشور خود نیستند. «یک محبوب من» به کارگردانی مشترک بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم چند روز پیش در آخرین حضور خود در جشنواره شیکاگو به نمایش درآمد. این فیلم که تمامی بازیگران و عوامل آن ایرانی هستند به دلیل عدم حجاب بازیگران زن، قابل نمایش در ایران نیست اما در بسیاری از جشنواره‌های بین‌المللی به نمایش درآمده است. چند روز پیش هم نسخه قاچاق آن به بازار آمد و در حال حاضر از شبکه‌های ماهواره‌ای هم به صورت مدام پخش می‌شود. اولین نمایش این فیلم در جشنواره برلین بود که کارگردانان آن به دلیل ممنوع‌الخروجی نتوانستند در این جشنواره حاضر شوند. «دانه انجیر معابد» به کارگردانی محمد رسول‌اف هم که کارگردانش مدتی است از ایران مهاجرت کرده در جشنواره‌های مختلف به نمایش درآمده است اما به دلیل حجاب نداشتن بازیگران زن امکان نمایش در ایران را ندارد.

استعلام‌ها طولانی شد اما معاون هنری انتخاب شده

صالحی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه در فاصله ۳ ماه مانده تا برگزاری جشنواره فیلم فجر آیا وضعیت دبیر این جشنواره مشخص است و چرا معاونت هنری هنوز مشخص نشده، گفت: «اجازه دهید کمی زمان بگذرد و آقای فریدزاده (رئیس سازمان سینمایی) مستقر شوند تا تصمیم لازم در این زمینه گرفته شود. در این مورد تغییراتی که باید انجام شود، انجام خواهد شد. من قولی داده بودم که باید طبعاً برای آن توضیحی بدهم. شهریور ماه که آمدم در دو هفته اول، بررسی وضعیت جاری را در پیش داشتم و با مجموعه مدیران و معاونین دوره قبل گفت‌وگو کردم که حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر می‌شدند. تقریباً از میانه شهریور ماه وارد بررسی تغییرات و انتصابات شدم و به نظر آمد که در مرحله اول با تجربه‌ای که از دوره قبل داشتم باید اول معاونین و مدیران حوزه ستادی را بچینم تا وقتی معاون تخصصی می‌آید، مدیران ستادی سر کار خود باشند و کار را شروع کرده باشند. در این راستا چند معاون ستادی را مشخص کردم و در مهر ماه وارد انتصاب مدیران تخصصی شدیم. طبعاً گفت‌وگوها و بررسی رزومه‌ها صورت گرفته بود و گفته بودم تا آخر مهر ماه این مساله جمع می‌شود و اصلاً با این نگاه پیش می‌رفتم که حتماً مسیر به همین شکل ادامه پیدا می‌کند اما همان طور که مطلع هستید طبق قانون جریان مشاغل حساس روند استعلام طولانی‌تر شده و از دو تا



دیدگاه: یادداشت سینمایی

سینمای کمیک ایران

آیا سینمای ایران شکوهش را بازپس می‌گیرد؟



حامد قریب
روزنامه‌نگار

این روزها شاهد سینمایی هستیم که روزگاری خالق جریان‌های پراهمیتی در جامعه بود اما اکنون تنها تبدیل به پایگاهی برای اکران فیلم‌های کم‌دلی خالی از اندیشه و آثار ایدئولوژیک شده است. این اتفاق پدید نمی‌آید، مگر با مدیریت محمد خزاعی که با تهیه‌کنندگی فیلمی چون «قلادهای طلا» سال‌ها پیش جریان فکری خود را مشخص کرده بود. خزاعی با اقدامات خود در ۳ سال گذشته، عامدانه یا غیرعامدانه موجب شد تا فاصله بین هنرمندان و مسئولان دولتی به بالاترین حد ممکن برسد. به هر حال ممنوعیت، سانسور و توقیف کلیه فیلم‌های غربی در سینمای ایران نیست اما این کلمات هیچگاه به‌صورتی که در دولت متوجه سیدابراهیم رئیسی رنگ عمل گرفت در سینمای ایران تئوریزه نشده بود. این اتفاق موجب شد تا تئوری چند از سینماگران مستقل باقی مانده که تا پیش از این به جریان حداقلی از اکران در مؤسسه هنر و تجربه هم رضایت داشتند، عطای اکران عمومی آثار خود را به لقایب بخشند و با پذیرفتن برجسب زیرزمینی بودن به خلق فیلم خود بپردازند. همین موضوع سبب شد تا در اتفاقی نادر شاهد درخشش سینمای غیررسمی ایران در فستیوال‌های جهانی باشیم.

اما وضعیت سینمای ایران رسمی تعریف چندانی ندارد. در واقع به‌جز چند فیلم کم‌دلی که بر مبنای آمار و ارقام با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه هستند، آثار دیگر مورد توجه نبوده و تنها روی کاغذ اکران می‌شوند. در واقع سینمای ایران رسمی ایران، کارکرد اجتماعی خود را از دست داده و تبدیل به سرگرمی صرف شده است. در این شرایط اگر هدف سیاست‌گذاران دولتی، بازگشت به مسیری باشد که سینمای ایران در گذشته نه‌چندان دور و با فیلم‌سازی چون عباس کیارستمی و اصغر فرهادی طی کرده است، مهم‌ترین وظیفه سازمان سینمایی، برگرداندن حس اعتماد سینماگران است تا بی‌واهمه از احتمالاتی که ممکن است موجب توقیف و سانسور شدید اثر آنها شود به ساخت فیلم خود بپردازند و اطمینان داشته باشند که سیستم انعطاف‌پذیری لازم برای تماشای آثار آنها روی پرده تفریحی اکران را دارد.

البته این مهم پدید نمی‌آید، مگر با برقراری فرآیندی تازه در سینما که ممنوعیت و سانسور پیش از خود را تغییر دهد. شاید صدور پروانه نمایش و آغاز اکران عمومی فیلمی چون «قاتل و وحشی» حمید نعمت‌الله که حتی پروانه ساخت خود را نیز از این سیستم دریافت کرده، یکی از اقداماتی باشد که این حس اعتماد را به سینماگران بازمی‌گرداند.

علاوه بر این، اکنون با ممنوع از فعالیت شدن تعدادی از مهم‌ترین بازیگران و عوامل سینمای ایران، شاهد اعمال یکی از دشوارترین مجازات ممکن برای این هنرمندان و مخاطبان آنها هستیم. اتفاقی که با هیچ منطق حقوقی و قضایی سازگار نیست و باید تدبیری برای توقف آن اندیشیده شود. در واقع این موضوع یکی از مهم‌ترین چالش‌های راند فریدزاده در قامت ریاست سازمان سینمایی است که باید از پس آن بر آید.

تاریخ برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر نیز یکی دیگر از موضوعاتی است که باید برای آن تصمیم‌گیری صورت گیرد. این جشنواره که در دولت حسن روحانی جواز حضور در جمع جشنواره‌های مورد تأیید فیاف را گرفته است با تغییر تاریخ برگزاری آن در ۳ سال گذشته در خطر حذف از این فهرست قرار دارد. باید دید که در دوره جدید، رئیس سازمان سینمایی برای برگزاری این جشنواره چه تصمیمی را اتخاذ می‌کند.

در نهایت باید گفت که اهالی سینما نیاز به کمی آکسیژن برای نفس کشیدن دارند تا بتوانند خود را با جامعه پیرامونشان هماهنگ کنند. این مهم پدید نمی‌آید، مگر با انعطاف‌پذیری سیستم دولتی برای دوری از حذف سینماگرانی که اندیشه‌ای متفاوت دارند اما در عین حال عاشق ایران هستند و برای تعالی مردم این سرزمین تلاش می‌کنند. در صورت محقق شدن این اتفاق، می‌توان دوباره امیدوار بود که شور و شوق گذشته به سینمای ایران بازگردد.



راه‌های پیش‌رو

پیمان شوقی: معرفی رئیس جدید سازمان سینمایی که حسب کارنامه مدیریتی‌اش می‌توان موافق یا مخالف بود؛ ولی فرصتی است برای تصحیح نگاه و آواربرداری از آسیب‌هایی که از سر اهمال یا ناآگاهی سال‌هاست بر این سینما فرود می‌آیند و به حال امروزش کشانده‌اند. همین‌ها او را در موقعیتی قرار داده که اگر با اراده‌ای معطوف به اصلاح وارد تغییرات کلیدی شود، بتواند طرحی نو دراندازد.



تعیین تکلیف ابهامات

شهرام مکی: مهم‌ترین مسأله پیش‌روی مدیریت سینما این است که بتواند حوزه‌هایی را تعیین تکلیف کند. یکی‌شان وضعیت ممنوع‌الکاری خیلی از سینماگران است. نکته بعدی که بسیار مهم است، این است که ساختن فیلم در ایران نباید جرم تلقی شود. به عبارت دیگر گرفتن پروانه ساخت باید یک مزیت باشد اما نگرفتن آن نباید جرم باشد. اگر کسی نمی‌خواهد پروانه ساخت بگیرد باید مزیتی را از دست بدهد.



بدون مجوز فیلم نمی‌سازم

پرویز شهبازی: بدون مجوز فیلم نمی‌سازم و از نظر سنی نیز حوصله ساختن فیلم آن‌درگراند (زیرزمینی) ندارم همچنین از اینکه برای خارج از کشور فیلم بسازم تا به من بگویند تکلیب را هم دوست ندارم پس سعی می‌کنم اینجا بمانم و بازخورد تماشاگر را ببینم. معتقدم باید همه‌پسند و البته در راستای تفکر خودمان فیلم بسازیم نه در خدمت سرمایه و فضای فکری تماشاگر.

دست از سر سینما بردارید، صنعت بزرگی می‌شود

درباره حال‌وهوای امروز و اکنون سینمای ایران به مناسبت آغاز به کار رئیس جدید سازمان سینمایی



سپهرالدین بورقانی
روزنامه‌نگار

سینمای ایران در سال‌های گذشته آن‌چنان گرفتار مصائب و مسائل بی‌شمار بوده که فهرست کردن‌شان توماری طولانی خواهد شد و حتی اگر اراده‌ای هم برای حل آنها از سوی سیاست‌گذاران سینمایی وجود داشته باشد، نمی‌توان امید چندانی در کوتاه‌مدت داشت. سینماگران هم آن‌قدر ناامید و بی‌انگیزه شده‌اند که گویی این بیت از شعر رهی معیری را پیش‌روی خود گذاشته‌اند و از آن تبعیت می‌کنند: اگر نمی‌طلبی رنج ناامیدی را / ز دوستان و عزیزان مدار چشم امید.

نابودی سینمای مستقل، بها دادن مفرط به سینمای ایدئولوژیک، خودی و غیرخودی کردن و تنگ‌تر کردن

مدام همان دایره خودی‌ها، کمبود سالن سینما، امکانات بسیار اندک و عقب‌ماندگی تکنولوژیک سینماها، کنار گذاشتن و بایکوت خیلی از سینماگران، مهم بودن سیاست‌های سینمایی، فقدان سرمایه‌گذاری حرفه‌ای، حاکم کردن نگاه‌های سلیقه‌ای معدودی سینماگر و غیرسینماگر و ده‌ها مسأله دیگر از جمله سرفصل‌هایی هستند که می‌توان ساعت‌ها درباره‌شان صحبت کرد. همه اینها سبب شده تا بسیاری از کاربلدها که عمری تجربه کسب کرده‌اند از سینما فاصله بگیرند و یا عطای آن را به لقایب ببخشند.

ما ناامیدان از هر نوع بهبودی‌ای، با ایجاد تغییرات اندک در حوزه فرهنگ و سینما باز هم

کمی از ناامیدی‌مان کاسته می‌شود و می‌کوشیم تا حتی با همین یادداشت‌های مطبوعاتی و رسانه‌های اجتماعی به متولیان و مدیران سقلمه‌ای بزیم تا شاید کمی مسیر هموارتر شود. سینما می‌تواند صنعت پول‌ساز و پرکار کردی باشد اگر قدری نگاه‌های جزم‌اندیشانه و سلیقه‌ای از آن فاصله بگیرد و مدیران با وسعت مشرب به مسائل و مشکلاتش بنگزند و گوش شنوایی وجود داشته باشد؛ از مداخلات بی‌جا پرهیز و از مشارکت بیشتر اهالی سینما استقبال کنند، نگاه میزانه را کنار بگذارند و به هنرمندان اعتماد کنند؛ نگاهی که در چند سال اخیر عملاً کنار گذاشته شده بود و مسئولان ارشاد عملاً خود را قیم، سرمایه‌گذار، تهیه‌کننده و سناریونویس سینما می‌دانستند. صنعت بزرگی می‌شود اگر نااهلان دست از سر آن بردارند. هنر دولت چهاردهم باید همین باشد تا سینما را به خود سینماگران واگذار کند؛ نتیجه قطعاً مطلوب و مرغوب خواهد بود. از همه اینها بگذریم، دولت چهاردهم دست‌کم با مدعا علیی که روی

کاغذ دارد و اراده‌ای که (ظاهراً) برای سنگ‌اندازی ندارد، می‌تواند دست به کارهای ماندگاری بزند که دستاوردهایش از بین نرفتنی باشد.

واقعیت آن است همه انتقادهای بالا را قبول داشته باشیم یا نه، برای فیلم دیدن در سینما هم باید سالن سینما به‌قدر مکفی وجود داشته باشد و هم کیفیت استاندارد و به‌روز تا مخاطب به سینما رفتن ترغیب شود و صدالبته فیلم ساخته شود. در کشور ما حتی یک سینما هم وجود ندارد که امکانات ده، پانزده سال پیش سینماهای جهان را داشته باشد. به عنوان مثال سالن سینمایی مثل «فرهنگ» که از قضا دولتی هم هست، فاقد کمترین کیفیت و استانداردهای روز چه در حوزه صدا و تصویر است؛ پرده بی‌رنگ این سالن آن‌قدر کم‌نور و بی‌کیفیت است که چشم را می‌آزارد.

سینما محملی است تا حتی اگر قرار است واقعیت محض را هم به تماشا بنشینیم، در زوروق رؤیا و انواع شگردهای

سینمایی پیچیده شده باشد، با کیفیت صدا و تصویر مثال‌زدنی؛ همه چیز باید رویایی به نظر برسد. این روزها در دنیا IMAX، Laser Pro، Dolby Atmos، HFR، ۴DX، و... به کمک جذاب‌تر کردن هر چه بیشتر تجربه تماشای فیلم آمده‌اند درحالی‌که ما در کشورمان در این زمینه عقب‌افتادگی قابل توجهی داریم. نیازی به توضیح واضح نیست که هزینه کردن برای سینما از بین رفتن پول و سرمایه نیست بلکه سرمایه‌گذاری بسیار پرسودی است که چرخه گسترده‌ای از تماشاگر تا سینماگر را دربر می‌گیرد و در نهایت این صنعت و هنر را احیا می‌کند و همه خرسند خواهند شد؛ مگر آنکه چنین نخواهیم.



صدای نویی که باید شنیده شود

اولویت‌هایی که رئیس سازمان سینمایی در دولت چهاردهم باید مد نظر قرار دهد



تیسیم کشاورز
روزنامه‌نگار

راند فریدزاده در دنیای شگفت‌انگیز سینما به عنوان ششمین رئیس سازمان سینمایی ایران گام به میدان می‌گذارد. او در برهه‌ای حساس و سرنوشت‌ساز بر کرسی نشسته است؛ زمانی که سینما به عنوان یک هنر و ابزار بیان، نیازمند دگرگونی‌های بنیادی و بازنگری در رویکردهاست.

چالش‌ها و فرصت‌هایی که پیش‌روی او قرار دارد، می‌تواند فصل جدیدی را در تاریخ سینمای ایران رقم بزند.

در گام نخست، فریدزاده باید به مسأله سانسور توجه ویژه‌ای داشته باشد. سینما در واقع، آینه‌ای است که حقیقت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به تصویر می‌کشد. در سایه محدودیت‌ها، آثار سینمایی نمی‌توانند به عمق واقعیات دست یابند. رئیس جدید باید با ایجاد فضای امن و آزاد، هنرمندان را ترغیب کند تا بدون ترس از قضاوت، صدای خود را به تصویر بکشند. این اقدام نه تنها تنوع را به سینما بازمی‌گرداند بلکه

می‌تواند به برقراری ارتباطی صادقانه و نزدیک‌تر با مخاطب کمک کند. فریدزاده با تجربه‌ای که در برلین و وین به دست آورده به خوبی می‌داند که جهانی‌سازی سینما تنها با برقراری ارتباطات بین‌المللی امکان‌پذیر است. او باید به خلق پل‌هایی میان سینماگران ایرانی و جهانی بپردازد. برگزاری جشنواره‌های مشترک و همکاری‌های سینمایی، می‌تواند به ارتقاء کیفی آثار و معرفی سینمای ایران در عرصه جهانی کمک کند. آثاری که در آنها قصه‌های ایرانی به زبانی جهانی روایت می‌شود، می‌تواند شنیده شوند و به گنجینه‌های سینمای جهانی افزوده شوند.

در راستای این اهداف، حمایت از سینماگران جوان و نوظهور نیز از اولویت‌های فریدزاده خواهد بود. نسل جدیدی از هنرمندان با ایده‌های خلاقانه و نوآورانه در حال ظهور است. این هنرمندان باید با امکانات و حمایت‌های لازم، فرصت شکوفایی و خودیابندگی پیدا کنند. ایجاد کارگاه‌های آموزشی و تسهیل دسترسی به منابع مالی می‌تواند به تحقق این هدف کمک شایانی کند. فریدزاده باید ببیند که چگونه می‌توان به سینماگران جوان فرصتی برای پرواز داد و به آنها کمک کرد تا داستان‌های خود را روایت کنند. کیفیت آثار سینمایی نیز مسأله‌ای است که فریدزاده

باید به آن توجه کند. سینماگران باید تشویق شوند تا به جای تولید انبوه آثار سطحی بر روی پروژه‌های با عمق و ارزش تمرکز کنند. این مهم نیازمند ایجاد معیارهای سنجش مشخص و ارائه مشاوره‌های حرفه‌ای است. سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که داستان‌های انسانی و اجتماعی را به تصویر می‌کشند، می‌تواند سینمای ایران را غنی‌تر و متنوع‌تر کند.

سرانجام، فریدزاده باید روی تقویت ساختار داخلی سازمان سینمایی تمرکز کند. یک مدیریت کارآمد و منسجم می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات و پاسخگویی به نیازهای هنرمندان و مخاطبان کمک کند. او باید به انتقادات و پیشنهادات جامعه سینمایی گوش فرا دهد و از این بازخوردها برای ارتقای سینما استفاده کند. سینمای ایران در آستانه یک تغییر و تحول است و راند فریدزاده با درک عمیق از چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو می‌تواند رهبری اثرگذار باشد. اولویت‌های او باید به گونه‌ای باشد که سینما را نه تنها در سطح داخلی تقویت کند بلکه به جهانی شدن آن نیز کمک نماید. این تغییرات می‌تواند سینما را به قلب تپنده فرهنگ و هنر ایران تبدیل کند، جایی که داستان‌ها در آن روایت و انسان‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند.

گزارش تصویری

بازدید سفیر

عبدالله بن سعود در بیمارستان آیت‌الله‌هاشمی

عبدالله بن سعود، سفیر عربستان از بیمارستان آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی به میزبانی فاطمه هاشمی بازدید کرد. این بیمارستان دارای بخش‌های بستری زنان، مردان، کودکان و بخش‌های ویژه و پاراکلینیکی شامل: NICU، CCU، ICU اتاق عمل، همودیالیز، تالاسمی، شیمی‌درمانی، زنان و زایمان، پروتورمانی، فیزیوتراپی، تصویربرداری، آزمایشگاه، کلینیک‌های تخصصی و فوق تخصصی است که چندی پیش با حضور رئیس جمهور به بهره‌برداری رسید.



اجرای حکم

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد که؛ با توجه به میزان بالای فوتی‌ها و پیگیری پرونده، حکم اعدام چهار متهم اصلی پرونده مسمومیت‌های ناشی از مصرف مشروبات الکلی در استان البرز اجرا شد. احکام اجرا شده مربوط به پرونده تهیه و توزیع گسترده مشروبات الکلی در ۲۶ خرداد سال ۱۴۰۲ در کرج است که منجر به فوت ۱۷ نفر همچنین مسمومیت و آسیب متعدد جسمانی ۱۹۱ نفر شده بود.



مجوز جدید صادر نمی‌شود

ابوالفضل نیکوکار، معاون اجتماعی و پیشگیری دادگستری با بیان اینکه مجوز جدید برای اتباع صادر نمی‌شود، گفت: مطابق اطلاعات و آمار اداره کل اتباع استانداری تهران، یک میلیون و ۲۰۹ هزار و ۹ نفر تبعه مجاز و ۳۰۳ هزار و ۲۵۲ تبعه غیرمجاز در استان تهران ساکن هستند. هزار و ۲۴۵ تبعه افغانستان در زندان‌های استان تهران محبوس هستند که جرم ۴۲۳ نفر از آنها سرقت است.



با جدیت دنبال می‌کنیم

ستار هاشمی، وزیر ارتباطات گفت: گزارش وضعیت اینترنت در قالب گزارشی به شورای سران ارائه شده است. دلایل به روایت آمار نشان می‌دهد که ادامه این روند به مصلحت نیست و چالش‌های جدیدی برای کشور ایجاد کرده است، ما موضوع رفع فیلتر را با جدیت دنبال می‌کنیم چرا که از طرفی وعده رئیس جمهور و دولت بوده و از طرفی موضع رسمی دولت است.

پیگیری وزیر

وزیر بهداشت می‌گوید: پذیرش سهمیه‌ای در دانشگاه‌ها افزایشی بوده و باید مورد بازنگری قرار گیرد

گروه اجتماعی: محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت دیروز اعلام کرد که سهمیه‌های کنکور بازمینی و بازنگری می‌شود. او که در جمع خبرنگاران حضور داشت، اظهار کرد که: «پذیرش دانشجویی چه در وزارت بهداشت و چه در وزارت علوم در شورای انقلاب فرهنگی مطرح شده و رئیس جمهور نیز روی آن نظر داشتند و قرار شد که با محوریت وزارت علوم و وزارت بهداشت این سهمیه‌ها بازمینی و بازنگری شود.» او ادامه داد که: «اعتقاد داریم این سهمیه‌ها در طول زمان، افزایشی بوده و در برخی رشته‌ها، پذیرش سهمیه‌ای دو سوم بوده است.»

۸ مهر ماه امسال بود که؛ رئیس جمهور نسبت به بازنگری و ساماندهی سهمیه‌های کنکور ضرب‌الاجل ۳ ماهه داد. در

این دستور که خطاب به وزارت علوم، سازمان ملی سنجش، وزارت بهداشت، دانشگاه آزاد اسلامی، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی بود، آمده که: «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف حداکثر است ظرف مدت ۳ ماه با همکاری سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی نسبت به بازنگری تمامی سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو اقدام و طرح تفکیک استانی سهمیه‌ها را جهت تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و اجرا از سال ۱۴۰۵ به ستاد علم و فناوری دبیرخانه این شورا پیشنهاد نماید.»

آمارهای زیادی از وضعیت تبعیض آمیز سیستم آموزشی و تاثیرهای مستقیم و غیرمستقیم آن بر وضعیت کیفیت تحصیل دانش‌آموزان وجود دارد؛ و از طرف دیگر به نظر می‌رسد با توجه به اعداد و ارقام سهمیه‌های تبعیض آمیز کنکور و بعد از آن نیز شیوه‌های سهمیه‌ای استخدام و به کارگیری نیروی انسانی بر اساس معیارهای غیراستاندارد به مرور زمان انگیزه میان جوانان از بین رفته است چرا که همواره مسیرهایی جایگزین و سرراست به غیر از مسیرهای معمول وجود دارد. آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی رئیس مرکز سنجش آموزش و پرورش درباره وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان به این شرح است: «در رشته علوم تجربی، میانگین معدل دانش‌آموزان از ۱۱.۲۳ سال گذشته به ۱۲، رشته ریاضی فیزیک از ۱۰.۷۹ به ۱۱.۸۲ و در علوم انسانی از ۸.۷۵ به ۹.۱۳ رسیده است. معدل میانگین در مجموع سه رشته از ۱۰.۲۳ به ۱۰.۸۹ صدم رسیده و ۵۵ صدم در مجموع سه رشته ارتقای نمره صورت گرفته است.»

رتبه‌های برتر

هر سال اعلام می‌شود که چه سهمی از رتبه‌های برتر کنکور مربوط به مدارس خاص هستند و چه تعدادی از آنان به مدارس معمولی تعلق دارند. چندی پیش اعلام شد که: «بررسی نوع مدارس در ۳ گروه اصلی آزمایشی کنکور امسال هم نشان می‌دهد که باز دست برتر با دانش‌آموزانی بوده که در مدارس سمپاد و تیزهوشان درس خوانده‌اند به طوری که ۷۳ درصد از برترین‌های این سه گروه را سمپادی‌ها تشکیل داده‌اند. جالب اینجاست که در گروه علوم تجربی حتی یک نفر هم از مدارس

غیرسمپادی‌ها وجود ندارد! در حالی که سهم این مدارس در دو گروه ریاضی و علوم انسانی ۶۰ درصد بوده است.» در تمام این سال‌ها بحث کیفیت پایین آموزش در مدارس دولتی و سهم اندک آن‌ها در میان برترین‌های کنکور همیشه مورد نقد بوده است، اتفاقی که امسال هم با در نظر گرفتن سهم ۷ درصدی از بین ۳۰ نفر برتر نشان می‌دهد که واقعا این مدارس توانسته‌اند، آن‌طور که انتظار می‌رود، سهم قابل توجهی را در کنکور داشته باشند. وضعیت در مدارس نیمه‌دولتی هم همین است به طوری که در مجموع ۳ گروه آزمایشی علوم ریاضی، تجربی و علوم انسانی تنها دانش‌آموزان دو مدرسه نیمه‌دولتی توانسته بودند در میان برترین‌ها قرار بگیرند. سهم اندکی که نشان می‌دهد حتی حضور در میان نیمه‌دولتی‌ها

داده‌اند و ۴۰ درصد دیگر نیز غیرانتفاعی هستند؛ یعنی عملاً حتی یک برگزیده نیز از مدارس دولتی در استان تهران نتوانسته بود خودش را در میان برترین‌های این ۳ گروه برساند. این مساله قطعاً لزوم آسیب‌شناسی نسبت به کیفیت این مدارس را در استان بیش از پیش می‌کند؛ چراکه قطعاً وقتی داوطلبی نتواند از مدارس دولتی در پایتخت کشور در میان برترین‌ها قرار بگیرد، معنایش آن است که راه برای داوطلبان دیگر استان‌ها به مراتب سخت‌تر خواهد بود.

سهم دهک‌های پایین تقریباً هیچ

مساله مهم این است که ۳۰ نفر برتر کنکور یعنی نفرات ۱ تا ۱۰ گروه‌های آزمایشی انسانی، تجربی و ریاضی تنها ملاک‌های قضاوت درباره تاثیر کیفیت و عدالت آموزشی برای ورود به دانشگاه نیستند. سال ۱۴۰۲ بود که ایمان افتخاری، عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرده که: «آمار ما درخصوص سهم دهک اول جامعه از ۳۰۰۰ رتبه برتر کنکور ایران نشان می‌دهد که این سهم برای دهک اول جامعه ۰.۲ درصد است. از سوی دیگر در کشور ما نزدیک به ۵۰ درصد صندلی‌های دانشگاه در ۳۰۰۰ رتبه برتر کنکور سهم دهک دهم است.»

ما ریج سهمیه‌ها

در سیستم کنکور کشور سهمیه‌های رسمی وجود دارد که بر نتیجه آکسای افراد تاثیر می‌گذارد. مثل سهمیه ایثارگران ۲۵ و ۵ درصدی، سهمیه اعضای بسیج، فرزندان اعضای هیات علمی، سهمیه رزمندگان و... اما یک سری سهمیه‌های غیررسمی نیز وجود دارد که به خصوص در دانشگاه‌هایی مثل فرهنگیان یا دیگر موسسات آموزش عالی که مراحل گزینش دانشجویان را نیز دارند، اعمال می‌شود. این سهمیه‌های غیررسمی معیار و شاخص خاصی ندارد و به بررسی افکار و اعتقادات دانشجو می‌پردازد. شاخص‌هایش قابل تفسیر موع است و به سلیقه سیاستگذاران بسیار بستگی دارد.

آزمون‌های استخدامی و مراحل استخدامی در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی نیز سهمیه‌های ایثارگران، جایگزینی فرزندان با پدر و... وجود دارد. یکسری قوانین و سهمیه‌ها هم نانوشته است. مثلاً برای استخدام در یک سازمان دولتی، قانونی برای عضویت در نیروی بسیج وجود ندارد. اما این عضویت برای داوطلب امتیاز محسوب می‌شود. برای درک بهتر این مطلب، توصیه می‌شود درباره داوطلبان استخدام در آموزش و پرورش با کد ۱۹ مطالعه صورت بگیرد. با وجود تمام این سهمیه‌های نوشته و نانوشته، جوانی که از سیستم و بلوچستان شروع می‌کند و به نقاط بالا می‌رسد، یک استثنا است و نه قاعده. احتمالاً جوانی که در مناطق محروم است یا به نظر خودش نمی‌تواند از ماریج سهمیه‌های نوشته و نانوشته عبور کند، انگیزه‌های هم برای ادامه دادن ندارد.

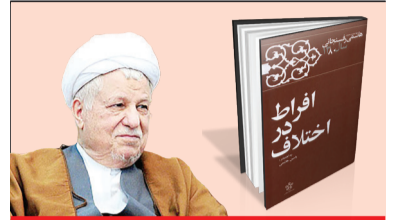


هم شانس بیشتری از آنچه در مدارس دولتی وجود دارد، در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌دهد. اتفاقی که می‌طلبد تا مسئولان آموزش و پرورش یک بار برای همیشه فکری برای این داشته باشند؛ چراکه طبیعتاً بخش قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموزی در مدارس دولتی تحصیل کرده و از سوی دیگر این مدارس سهم قابل توجهی را در استان‌های محروم از حیث بار آموزشی در دوره متوسطه برعهده دارند اما سهم کمتر از ۱۰ درصدی این مدارس در برترین‌های کنکور نشان می‌دهد عملاً شانس قرارگیری آن‌ها در میان برترین‌ها به شدت پایین است. همچنین مساله غیرقابل انکار آن است که بعد از سمپادی‌ها، این دانش‌آموزان غیرانتفاعی هستند که می‌توانند سهم بیشتری را از سفره برترین‌های کنکور داشته باشند. اتفاقی که بار دیگر این مهم را یادآور می‌شود که برای رسیدن به رتبه برتر کنکور که مجوز تحصیل در رشته و دانشگاه برتر کشور خواهد بود، نمی‌توان خیلی به تحصیل در مدارس دولتی و نیمه‌دولتی دلخوش کرد و عملاً شانس قبولی از طریق این مدارس بسا در نظر گرفتن جمعیت دانش‌آموزی آن‌ها به حدی پایین و شاید غیرممکن باشد. موضوع مهم دیگری که شاید توجه به آن خالی از لطف نباشد این است که در میان ۳۰ داوطلب برتر در ۳ گروه آزمایشی یاد شده ۱۰ نفرشان از تهران بوده‌اند که از این میان نیز ۶۰ درصدشان را سمپادی‌ها تشکیل

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی، امیر اقلتی

مدیرتیر: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرینفر • حروفچین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان، ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز، ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اخلاق ۱۱۶

جمعه ۲ شهریور

فضای هیجان بر کشور

تا شب در لالان بودیم، کمی در ارتفاعات قدم زدیم و کانالهای پرورش ماهی قزلآلا را دیدیم. محسن، [رئیس هیاتمدیره و مدیرعامل شرکت مترو] گفت، روز سهشنبه آینده بخشی از خط یک متروی تهران، افتتاح می‌شود. شب، میهمان اخوی محمود بودیم. عصر بچه‌ها سرگرم تماشای مسابقه فوتبال ایران و عربستان بودند که دو بر صفر به نفع ایران تمام شد؛ فضای هیجان بر کشور حاکم است.

اکثر وقت، صرف مطالعه کتابی جدید در مورد روابط آمریکا و ایران از شهریور ۱۳۲۰ به بعد شد. دفتر مطالعات [سیاسی و بین‌المللی] وزارت امور خارجه با استفاده از اسناد وزارت امور خارجه آمریکا که اخیراً انتشار یافته، منتشر کرده است؛ نکات قابل توجهی دارد و بخشی از آن برایم تازگی داشت. آخر شب به منزل آمدیم. گزارش‌ها [و اخبار] را از کامپیوتر دیدم و ساعت ۱۲ شب خوابیدم؛ گرم است.

شنبه ۳ شهریور ۱۳۸۰

مذاکره با مرعشی در مورد سفر کرمان



آقای [حسین] مرعشی، [نماینده کرمان] آمد. در مورد برنامه سفر کرمان مذاکره کردیم. آقای کاظم استادی با نامه‌ای از پدرش [آقای رضا استادی مقدم] آمد. کتابی برای تاریخ انقلاب نوشته است؛ توضیحاتی داد و خواستار نوشتن مقدمه توسط من شد. گفتم بررسی می‌کنم، اگر کتاب خوب باشد، می‌نویسم. با مصاحبه با تعدادی از نیروهای مبارز و آوردن خاطرات و اظهارات آنها، مطالب خوبی تنظیم کرده است.

آقای [محمدحسن] قلی، نماینده سابق الیگودرز آمد. از مشکلات زندگی و بی‌خانگی در تهران شکایت کرد و گفت، می‌خواهد به خاطر مشکلات به الیگودرز برگردد. گفتم به محسن در [شرکت] مترو مراجعه کند. عصر، آقای [موسی هاشمی] گلپایگانی، سفیر جدید در بلاروس آمد. مشورت کرد. قبلاً سفیر ایران در ازبکستان بوده. بلاروس به خاطر مخالفت با توسعه ناتو به سوی شرق با ایران اشتراک نظر دارد. آقای [یدالله] رحیمیان از اصفهان آمد. اوضاع شهر و وضع حوزه‌ها و علما را گفت و در مورد مصوبه مجمع [تشخیص مصلحت نظام] در خصوص اصلاحات ارضی زمان شاه، صحبت شد.

امروز فلسطینی‌ها با حمله به یک مرکز نظامی اسرائیل در جنوب غزه، سه نفر نظامی را کشته و جمعی را زخمی کرده‌اند. اسرائیل مقابله به مثل را آغاز کرده است. بعضی از تندروهای صهیونی از جنگ صحبت می‌کنند. در اخبار رسانه‌های امروز داخل و خارج، اظهار تعجب از بحث‌های مخالفت‌آمیز و تند مجلس در مورد کابینه سپس رأی موافق به تمام وزرای پیشنهادی زیاد است.

تاریخ تلاش برای تغییر

به مناسبت نخستین حضور ایران به عنوان عضو در بریکس



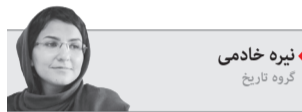
سال از تشکیل آن از یک اصطلاح اقتصادی به یک روند سیاسی - اقتصادی تغییر شکل داده است که قصد تغییر در نظم جهانی را دارد. کشورهای عضو در این ۱۵ سال با یافتن مسائل مهمی را در مورد تأثیر اقتصادی جهانی سیاست‌های مالی و پولی در کشورهای BRIC مطرح خواهد کرد. پیش‌بینی دیگر جیم اونیل درباره تبدیل ۴ اقتصاد نوظهور تا سال ۲۰۵۰ به قدرت‌های برتر اقتصادی جهان بود؛ نقطه نظری که در نهایت این کشورها را برای همکاری‌های بیشتر مورد تشویق قرار داد. جیم اونیل، ملیتی بریتانیایی دارد و بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ به عنوان وزیر خزانه‌داری بریتانیا در دو دولت دیوید کامرون و ترزا می فعالیت کرده است. نکته جالب اینکه؛ در حال حاضر گروهی که در مقابل قدرت اقتصادی جهان غرب با محوریت اروپا و آمریکا قد علم کرده است، هويت خود را از یک فرد بریتانیایی همچنین از یک شرکت چند ملیتی آمریکایی وام گرفته است.

موضوع مبعد ایده بریکس

پس از ۲۰ سال

حالا با گذشت بیش از دو دهه از ابداع اصطلاح بریک این گروه به دنبال انفعال از دلار به عنوان ارز معیار تجارت بین‌المللی و تشکیل واحد پولی مشترک در میان کشورهای بریکس است. لولا داسیلوا، رئیس جمهوری برزیل نخستین بار از این ایده سخن گفته و پیشنهاد کرده بود؛ کشورهای عضو بریکس به دنبال شکل دادن ارز مشترک خود باشند. این ایده‌ها از نظر جیم اونیل چندان جذاب نیست. او تابستان سال گذشته در گفت‌وگویی ویدیویی با کانال خبری ۴ لندن، ایده حذف دلار را ایده‌ای مسخره خواند و گفت: «وقتی چنین چیزهایی را می‌شنوم خیلی جوی خودم را می‌گیرم که قهقهه زدم». از نظر او ایده شکل‌گیری یک ارز مشترک برای کشورهای بریکس «به شدت غیرممکن» است. او به فایننشال تایمز هم گفته بود: «این واقعا مضحک است، آنها می‌خواهند یک بانک مرکزی بریکس ایجاد کنند؟ چگونه می‌خواهند چنین کاری را انجام دهند؟ معلوم است که غیرممکن خواهد بود. من نمی‌دانم که آنها می‌خواهند به چیزی برسند؟ نقش دلار در اقتصاد جهانی ایده‌آل نیست. شما با اقتصادهایی رویه‌رو هستید که باید در راستای منافع ایالات متحده رفتار کنند و هر تصمیمی که فدرال رزرو ایالات متحده می‌گیرد بر اقتصاد آنها تأثیرگذار است اما با این حال نمی‌توان از ایده حذف دلار سخن گفت چراکه چنین چیزی غیرممکن است».

در حال حاضر دو کشور عضو بریکس، عضویت دائم شورای امنیت را دارند و سه کشور دیگر داعیه عضویت دائم در شورای امنیت و اصلاح ساختارهای سیاسی و مالی جهانی را دارند. مساحت کشورهای عضو بریکس مجموعاً ۳۹.۷۴۶.۲۲۰ کیلومتر مربع و جمعیت کل آنها حدود ۳.۲۱ میلیارد یا حدود ۲۶.۷ درصد از سطح زمین و ۴۱.۵ درصد از جمعیت جهان است. برزیل، روسیه، هند و چین جزو ۱۰ کشور بزرگ جهان از نظر جمعیت، مساحت و تولید ناخالص داخلی هستند و در سال ۲۰۲۲ این ۵ کشور حدود ۲۶.۲ درصد از تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده‌اند.

نیره خادمی
گروه تاریخ

از نخستین جلسه گروه بریک که حالا دیگر بریکس نامیده می‌شود ۱۵ سال می‌گذرد؛ روزی که نمایندگان کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین در روسیه گردهم آمدند تا درباره بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان سخن بگویند. ایران از سال گذشته همزمان با حضور و سخنرانی ابراهیم ریسی، رئیس دولت سیزدهم در این اجلاس رسماً به این گروه پیوسته است و رئیس جمهور ایران امسال برای نخستین بار به عنوان عضو بریکس در محل اجلاس آن حضور دارد. سازندگی به همین بهانه به بخشی از تاریخچه این گروه و تغییرات آن در سال‌های اخیر پرداخته است.

ایده آمریکایی - انگلیسی

بریک، نماد تغییر قدرت اقتصادی جهانی به دور از اقتصادهای توسعه یافته است که حالا گسترش یافته، ۱۵ اجلاس را پشت سر گذاشته و شانزدهمین اجلاس آن هم در کازان روسیه در حال برگزاری است. ایده اولیه تشکیل گروه بریک (بریکس) به زمانی برمی‌گردد که یک گروه تروریستی القاعده با ربودن چهار هواپیمای مرکز تجارت جهانی را هدف قرار داد و جورج بوش در راس ایالات متحده آمریکا به بهانه جنگ علیه تروریسم حمله به افغانستان و عراق را در دستور کار خود قرار داد. در آن زمان مؤسسه سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس» به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آینده این ایده را مطرح کرد. «گلدمن ساکس» یکی از بانک‌های سرمایه‌گذاری چندملیتی آمریکایی است که سابقه تاسیس آن به بیش از یک‌ونیم قرن پیش برمی‌گردد. جیم اونیل، اقتصاددان ارشد این شرکت در مقاله‌ای تحت عنوان «ساختن اقتصاد جهانی بهتر - بریک» بر توان بالقوه کشورهای برزیل، روسیه، چین و هند برای فعالیت اقتصادی در کنار یکدیگر به عنوان قدرت‌های اقتصادی نوظهور تأکید کرده بود. او در آن مقاله تحلیلی پیش‌بینی کرده بود که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ میزان رشد تولید ناخالص داخلی در اقتصادهای بازارهای نوظهور از همین شاخص در میان کشورهای گروه ۷ بیشتر خواهد شد. اونیل با قرار دادن حرف نخست نام این کشورها در سرتیتر مقاله خود در روزنامه اقتصادی، «بریک» را به عنوان نام این گروه پیشنهاد کرده بود. او همچنین در آن مقاله با اشاره به اینکه در پایان سال ۲۰۰۰ تولید ناخالص داخلی کشورهای بریک به دلار آمریکا براساس برابری قدرت خرید، سهمی حدود

تقویم

شاعر نخستین سرود

سالگرد درگذشت ابوالقاسم حالت



ابوالقاسم حالت شاعر، نویسنده، پژوهشگر، روزنامه‌نگار و مترجم است که نام و یادش با نوشتن نه تنها «طنز» گره خورده است که یادآور نخستین

سرود جمهوری اسلامی ایران هم هست. براساس اطلاعات شناسنامه در سال ۱۲۹۲ به دنیا آمده بود اما می‌گفت سال ۱۲۹۸ در تهران به دنیا آمده است و سوم آبان سال ۱۳۷۲ هم از دنیا رفت. او سال‌ها با زبان و قلم طنز خود به انتقاد از مسایل مختلف جامعه پرداخت و برای مجله‌هایی چون «توفیق» و «گل آقا» سرود و طنز نوشت. حالت در سال ۱۳۱۷ وارد مطبوعات شد و بحر طویل‌های خود را با امضای هدهد می‌رساند. اشعارش را هم با اسامی مستعاری همچون خروس لاری، شوخ، فاضل مآب و ابوالعینک در مجله معروف فکاهی «توفیق» چاپ می‌کرد. ع‌لاوه او به طنز و طنزهای به قدری بود که پس از انقلاب اسلامی با وجود کهنوت سن، همکاری با مجله گل را ادامه داد. ابوالقاسم حالت درباره اولین شعری که سرود، گفت: «روزی در مدرسه با یکی از دوستان همکلاسم قهر کرده بودم و چون خیلی نسبت به هم صمیمی بودیم بالاخره طاقت نیاوردم و با یک قطعه سه بی‌تی از او معذرت خواستم، این قطعه که اولین شعر بود و متأسفانه الان هیچ به یاد نیست، موثر واقع شد و قهر ما را به آشتی تبدیل کرد. اثر این شعر مرا بر آن داشت که شاعری را دنبال کنم لذا از کلاس ششم ابتدایی گاهی شعر ساختم به خصوص تابستانها که مدرسه تعطیل بود و فراغت بیشتری داشتم و میتوانستم هم شعر بسازم و هم دنبال چاپ آن بروم اما روزنامه‌های ادبی آن ایام که عبارت بودند از «نسیب شمال» و «کانون شعرا» و «توفیق» همه از چاپ اشعارم خودداری میکردند چون بسیار ناپخته بود ولی این امر به هیچوجه باعث دلسردی من نمی‌شد. تا دو سه سال بعد که کمک بعضی از اشعارم در روزنامه‌ها چاپ شد. پس از چندی که اولین اثر او در یکی از جراید چاپ شد، سعی کرد خود را به کانون و انجمنهای ادبی نزدیک کند بنابراین بعضی شبها به انجمن ادبی ایران که ملک‌الشعرا بهار نیز یکی از اعضای آن بود، می‌رفت. در یکی از همین شبها یکی از اشعار خود را در این انجمن ادبی خواند و پس از خواندن شعرش، صدای آفرین و احسنت رسا و پرطنطنه شیخالملک اورنگ که در آن زمان نایب رئیس انجمن بود، او را به قدری تحت تأثیر قرار داد که تا صبح خواب به چشمانش راه نیافت و همین اتفاق تأثیر زیادی در روحیه ابوالقاسم حالت به وجود آمد. او نخستین بار دیوان اشعار خود را در سال ۱۳۴۱ جمع کرد و برای چاپ به انتشارات کتابخانه ابن سینا سپرد. ابوالقاسم حالت نگاه خود به شعر را این طور توضیح داده است: «روش من در سرودن شعر همیشه این بوده است که مضامین تازه و بی‌سابقه بیام؛ از استعمال لغاتی که قرن‌هاست از یاد زبان فارسی رفته و امروز معمول نیست، خودداری کنم». سروده او با مطلع «شد جمهوری اسلامی به پا / که هم دین دهد هم دنیا به ما» از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱ با آهنگسازی محمد بیگلری‌پور، رهبر ارکستر سمفونیک صداوسیما به عنوان سرود ملی ایران مطرح بود. او آشنایی زیادی با موسیقی ایرانی داشت و در کنار دیگر کارهای ادبی، ترانه‌هایی نیز سروده است. از جمله این سروده‌ها می‌توان به تصنیف «شب» (آهنگ استاد نصرالله زرین‌پنجه) و «دور از وطن» (آهنگ استاد بزرگ لشکری) هر دو با صدای استاد بنان و نیز آثاری به آهنگسازی استاد اسماعیل مهرتاش و خوانندگی استاد محمد منشری همچنین ساخته‌ها و خواننده‌هایی از استاد امین‌الله رشیدی اشاره کرد.